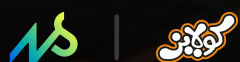


کیلومتر ۲۰ جاده نهایی

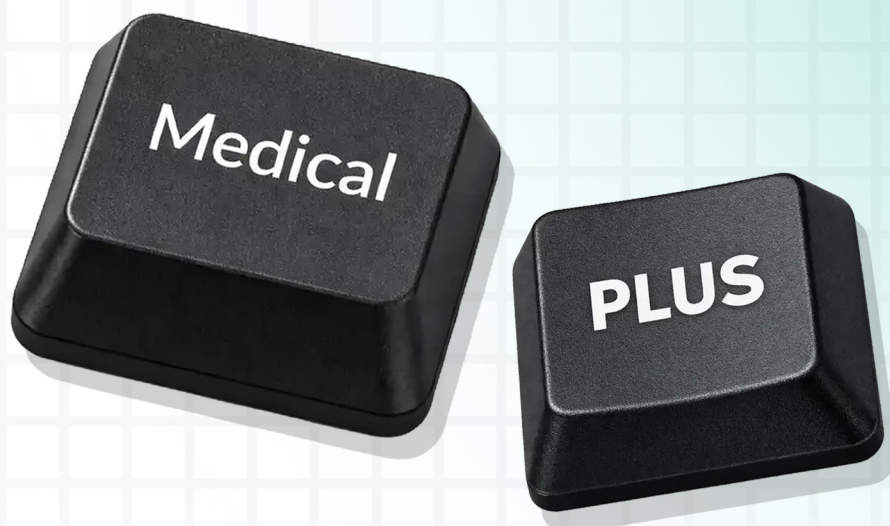
ویژه خرداد ماه ۱۴۰۵ و امتحانات نوبت دوم
برای ۲۰ شدنت تو شب امتحان!

محصول مشترک مدیکال و کولایز



📍 @medical_stus

📍 @kolyze



اشتراک مدیکال پلاس

یک اشتراک جامع کنکوری شامل ۴ تا دوره زیر

۱ دوره 73Core

تدریس بهینه و پربازده دروس اختصاصی در کنکور با شعار فقط اصل مطلب!

۲ دوره جاده نهایی

تدریس کامل و دقیق دروس عمومی نهایی برای 20 نهایی

۳ دوره ۱۰۰ فرهنگیان

تدریس دروس کنکور فرهنگیان

۴ دوره مرور سریع نهایی و پیش نیاز عمومی

نسخه رایگان: بررسی دقیق و درسنامه محور مطالب مهم تر کتب درسی که ارزش طرح سوال بالاتری دارن!

که در دو پلن «۳ ساله» یا «تا کنکور» | با هزینه معقول | همراه با ضمانت عودت وجه و پشتیبانی دو هفته ای عرضه میشه!

موضوعی

عربی

پایه یازدهم

لغات

کیلومتر ۲۰ جاده نهایی

درس ۱ یازدهم

معانی لغت

تشابهات

مترادف

متضاد

جمع مکسر

تعریف کلمات

نمونه سوال

بخش ۱ : معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
إِتَّقَى	تقوا پیشه کرد	سَاءَ	بد شد	بعض	یک دیگر	الفسوق	آلودگی به گناه
إِتَّقُوا	بترسید ، پروا کنید						
أَهْدَى	هدیه کرد	سَخِرَ مِنْ	مسخره کرد	تَخْفِيزُ	تخفیف دادن	فَلَقَ	سپیده دم
				حَقَّقَ	تخفیف داد		
إِغْتَابَ	غیبت کرد	ضَلَّ	گمراه شد	تَسْمِيَة	نام دادن	كِبَائِرَ	گناهان بزرگ
لَا يَغْتَبُ	نباید غیبت کند						
إِجْتَنَبَ	دوری کرد	أَدْعُ	دعوت کن فرا بخوان	الْأَرَاذِلَ	فرومایگان	الْأَثْقَلُ	سنگین تر
إِجْتَنَبُوا	دوری کنید						
بُئِسَ	بد است	عَابَ	عیب جویی کرد	تَوَابَ	بسیار توبه کننده بسیار توبه پذیر	لَحْمَ	گوشت
		تَعَيَّبَ	عیب جویی میکنی				
تَمَّمَ	کامل کرد	عَذَّبَ	عذاب داد	تَوَاضَعُ	ارتباط	فَقِيتَ	مرده
أَتَمَّمُ	تمام کرد						
	کامل میکنم						
أَعْلَى	گران تر	الْبَهَائِمَ	چارپایان	تَبَدُّأَ	شروع میشود	الْمُحَاوَلَةَ	تلاش
تَابَ	توبه کرد	غَلَبَتْ	چیره شد	حَيَّ	بشتاب	مِيزَان	ترازو
تَجَسَّسَ	جاسوسی کرد	كِرَّةَ	ناپسند داشت	خَفَى	پنهان	نَوْعِيَّةَ	جنس
لَا تَجَسَّسُوا	جاسوسی نکنید						
تَنَابَرَا	چیز زشتی را به دیگری نسبت داد	لَقَّبَ	لقب دادن ملقب کرد	زَمِيلَ	همکار هم شاگردی	مُتَجَرِّبَ	مغازه
		تَلَقَّبُوا	لقب میدهند				
جَادَلَ	ستیز کرد	لَمَرَ	عیب گرفت	السَّعَرُ	قیمت	مَلْعَبَ	ورزشگاه

حَرَم	حرام کرد	إِثْم	گناه	عُجِبَ	خودپسندی	مطعم	رستوران
الذَّهَب	طلا	السَّاتِر	پوشاننده	السُّخْرِيَّة	مسخره کردن	السَّكِينَة	آرامش
الظَّن	گمان	الفساتین	پیراهن های زنانه	الفِضَة	نقره	الفِضَى	نقره ای
حَسَن	نیکو کرد	استهزاء	ریشخند کردن	عَسَى	شاید چه بسا	مَصْنَع	کارخانه
حَسَنَت	نیکو گرداندی						
مَطْبَخ	آشپزخانه	مَحْمِل	کجاوه	القَضِیْح	رسوا کردن	نوعیه	جنس
مَكْتَبَة	کتابخانه	مَطْبَعَة	چاپ خانه	مَنْزِل	خانه		

بخش ۲ : مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	أَنْكَرَ	۸	ظاهر
	أَقْبَحَ		جلّی
۲	عَسَى	۹	ذنب
	رُبَّمَا		إِثْم
۳	سِعْر	۱۰	مَیّت
	قِیْمَة		مَیّت
۴	کَرِه	۱۱	لَمَزَ
	قَبِیْح		عَابَ
۵	سِعْر	۱۲	استهزا
	ثَمَن		سخر من
۶	يَنْهَى	۱۳	أُرِيدُ
	يَمْنَعُ		أَطْلُبُ
۷	تَمَمَ	۱۴	حَيَّ
	كَمَلَ		إِسْرَعَ

بخش ۳: متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	حَسَن	۹	ضَلَّ
	نیکو شد		اهتدی
۲	مَيِّت	۱۰	گمراه شد
	مرده		هدایت شد
۳	حَرَام	۱۱	خَفِيَ
	حرام کرد		پنهان
۴	غَالِي	۱۲	مَعْرُوف
	گران		پسندیده
۵	بَئِيس	۱۳	أَرْخَصَ
	بد است		ارزان تر
۶	أَقْلَ	۱۴	الرَّجَالِي
	کمتر		مردانه
۷	خَيْر	۱۵	أَرْفَعَ
	خوب		بلندتر
۸	أَرَاذِل	۱۶	التَّوَاضُّع
	فرومایگان		از هم بُریدن

بخش ۴: جمع مکسر ها

شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)	شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)
۱	كَبِيرَة	كِبَائِر	گناه بزرگ	۱۵	مَيِّت	أَمْوَات	مرده
۲	كَبِير	كِبَار	بزرگ	۱۶	أَخ	إِخْوَان / إِخْوَة	برادر
۳	لَحْم	لُحُوم	گوشت	۱۷	بَهِيمَة	بِهَائِم	چارپا
۴	فُسْتَان	فَسَاتِين	پیراهن زنانه	۱۸	سَعَر	أَسْعَار	قیمت
۵	سِرْوَال	سِرَاوِيل	شلوار	۱۹	أَب	آبَاء	پدر
۶	فَنّ	فَنُون	هنر	۲۰	مَصْنَع	مَصَانِع	کارخانه
۷	مَتَجَر	مَتَاجِر	مغازه	۲۱	مَطْبَعَة	مَطَابِع	چاپخانه
۸	مِيزَان	مَوَازِين	ترازو	۲۲	الْعَيْب	الْعَيُوب	عیب

۹	نفس	أنفس	جان	۲۳	خُلُق	أخلاق	خلق و خ
۱۰	لقب	ألقاب	لقب	۲۴	سَبَب	أسباب	دلیل
۱۱	اسم	أسماء	نام	۲۵	أَرْدَل	أراذل	پست
۱۲	أَفْضَل	أفاضل	برتر	۲۶	عَبْد	عباد	بنده
۱۳	ألف	آلاف	هزار	۲۷	مَلْعَب	ملاعب	ورزشگاه
۱۴	حدیث	احادیث	حدیث	۲۸	مَلْبَس	ملابس	لباس

بخش ۵ : تعریف کلمات

(۱) حَرَّمَ : جَعَلَهُ حَرَاماً

(۲) المیت : الذی لیس حیاً

(۳) الكبائر : الذنوبُ الكبيرة

(۴) تَوَاب : الذی يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ

(۵) تناوب بالألقاب : تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ

(۶) اغتاب : ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ

(۷) سوء الظن : اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مُنطَقِي

(۸) التَّجَسُّس : مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ

بخش ۶ : نمونه سوال درس ۱

الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید

(۱) عَلَيْنَا أَنْ نَتَّبِعَ عَنْ الْعُجْبِ (خرداد ۱۴۰۴)

(۲) بَنَسَ الْأَسْمُ الْقُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ (خرداد ۱۴۰۲)

(۳) التَّوَاضُلُ بَيْنَ النَّاسِ سَبَبٌ تَقَدُّمِ الْأَمَةِ

(۴) الْإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ عَمَلٌ قَبِيحٌ

(۵) تَسْمِيَةُ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ إِثْمٌ

(۶) التَّجَسُّسُ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هَذَا مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ

(۷) عسى أن يكونوا خيراً منهم

(۸) حَرَّمَ الله تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة

(۹) من لَمْ يَتَّبِعْ فَأُولَئِكَ هم الظالمون

(۱۰) السكوت ذَهَبٌ و الكلام فِضَةٌ

(۱۱) شَرَّ الناس ذُو الوجهين

(ب) مترادف و متضاد هارو مشخص كنيد :

تَنَابَزَ / صغائر / إثم / كَرِهَ / عَابَ / تَابَ / أَحَلَّ / نصيحة / مَيّت / رخيص / خطأ / ذَنْب / خَفِيَ / إستهزأ / قبيح /
غالي / لَقَبَ / سوء الظن / حَرَّمَ / لَمَزَ / حَيَّ / إبتعدَ / حسن الظن / كبائر / موعظة / إقتربَ / سَخِرَ / شَتِرَ

(ج) كلمه نامتناسب را پيدا كنين :

(۱) الإثم	التوبة	الخطيئة	الذنب
(۲) الذهب	الفِضَّة	الخشب	الحديد
(۳) العُجب	الاستهزاء	التجسس	التواصل (خرداد ۱۴۰۳)
(۴) أَصْفَر	أَزْرَق	أَكْثَر	أَبْيَض (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)
(۵) أَحْسَن	أَجْمَل	أَحْمَر	أَصْلَح (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
(۶) نساء	رجال	أساور	أولاد (شهریور ۱۴۰۲)

درس ۲ یازدهم

معانی لغت

مترادف

متضاد

جمع مکسر

تعریف کلمات

نمونه سوال

بخش ۱ : معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
ارتبط	ارتباط داشت	ضُرَّ	زبان رساند	حَسَبَ	بس / کافی	ذَنَّا	نزدیک شد
إِستَمَعَ	گوش فرا داد	عَصَى	سرپیچی کرد	حِصَّة	زنگ درسی	قُمَ	برخیز
التَّزَمَ	پایبند شد	فَكَّرَ	اندیشید	سَبَّوْرَة	تخته سیاه	اللَّوْح	تخته
التَّقَتَّ	روی برگرداند	قَدَّمَ	از پیش فرستاد	سَلَام	سخن آرام	الْمُرِيد	خواهان
أَلَّفَ	نوشت	كَادَ	نزدیک بود که	شُلُوك	رفتار	الْمُكَيِّف	کولر
الأَكْرَمَ	گرامی تر	الأوامر	کارها	البِطَاقَة	کارت	تَحْصُدُ	درو میکنی
تَزَرَّعَ	میکاری	خَجَلَ	خجالت کشید	المَحْضَر	پیشگاه	الْمُنْيَة	آرزو
أَنْشَأَ	ساخت	وَأَفَّقَ	موافقت کرد	عِلْمُ الْأَحْيَا	زیست شناسی		
تَنَبَّهَ	آگاه شد	وَفَّى	کامل کرد	فُرْقَان	جداکننده حق از باطل		
يَتَنَبَّهَ	آگاه میشود						
تَوَكَّلَ	توکل کرد	هَمَسَ	آهسته سخن گفت	مُشَاغِب	شلوغ کننده		
يَتَوَكَّلُ	توکل میکند	يَهْمِسُ	آهسته سخن میگوید				
وَفَّى	کامل کرد	يَرْتَبِطُ	ارتباط دارد	يَرشَبُ	مردود میشود		
تَبَّتْ	استوار ساخت	أَجَزَ	پاداش	مَيِّت	مرده		
يُثَبِّتُ	استوار میسازد						
جَهَلَ	ندانست	أَجَلَ	گران قدرتر	إِسْتَمَرَّ	ادامه داد		
خَاطَبَ	خطاب کرد	تَارَةً	یک بار	الْإِنْسَحَاب	عقب نشینی کردن		
				إِنْسَحَبَ	عقب نشینی کرد		
خَجَلَ	شرمنده شد	تَبَجَّيِلَ	بزرگداشت (مصدر)	الْإِنْقَاذَ	نجات دادن		
سَبَقَ	پیشی گرفت	التَّعَنُّتَ	مچ گیری	بَجَلَ	بزرگ داشت (فعل)		

بخش ۲: مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	تَنَبَّهَ	۸	وَدَّ
	آگاه شد		حُبَّ
۲	تَارَةً	۹	تَبَجَّلَ
	مَرَّةً		احترام / تکریم
۳	إِثْمَ	۱۰	فَرَّ
	ذَنْبَ		هَرَبَ
۴	أَنْشَأَ	۱۱	دَنَا
	بَنَى		قَرَّبَ
۵	خَلْفَ	۱۲	يُحَاوِلُ
	وَرَاءَ		يَسْعَى
۶	أَلْفَ	۱۳	قُمَ
	كُتِبَ		إِنْهَضَ
۷	سَبَّوْرَةً	۱۴	مُشَاغِبَ
	لَوْحَ		مُنَازَعَ
	تخته سیاه		اخلاقگر

بخش ۳: متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	اجْلِسَ	۹	تَكَلَّمَ
	بَنَشِينِ		سَكَتَ
۲	بَعْدَ	۱۰	أَحْيَاءَ
	دُورَ شَدَ		زَنْدَگَانِ
۳	حَيَّ	۱۱	ضَرَّ
	مَيِّتَ		نَفَعَ
۴	زَنْدَه	۱۲	زِيَانِ رَسَانَدَ
	مَرْدَه		سُودَ رَسَانَدَ
۵	صَدَاقَةَ	۱۳	بَدَايَةَ
	عِدَاوَةَ		نَهَايَةَ
۶	دُوسْتِي	۱۴	أَجَابَ
	دُشْمَنِي		سَأَلَ
۷	دَنَا	۱۵	عَدُوَّ
	نَزْدِيكَ شَدَ		دُشْمَنَ
۸	دُورَ شَدَ	۱۶	عَدُوَّ
	نَزْدِيكَ شَدَ		دُشْمَنَ
۹	أَجَابَ	۱۷	عَدُوَّ
	سَأَلَ		دُشْمَنَ
۱۰	پرسید	۱۸	عَدُوَّ
	پاسخ داد		دُشْمَنَ
۱۱	جَهْلَ	۱۹	عَدُوَّ
	غَلِيْمَ		دُشْمَنَ
۱۲	نَدَانِسْتِ	۲۰	عَدُوَّ
	دَانِسْتِ		دُشْمَنَ

۸	ضَرَّ	تَفَعَّ	۱۶	عَصَى	أَطَاعَ
	زبان رساند	سود رساند		نافرمانی کرد	اطاعت کرد

بخش ۴ : جمع مکسر ها

شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)	شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)
۱	جُنْدِي	جُنُود	سرباز	۹	لَوْح	أَلْوَاح	تابلو
۲	حَيٍّ	أَحْيَاء	زنده	۱۰	نَصٍّ	نُصُوص	متن
۳	خَطَأً	أَخْطَأَ	اشتباه	۱۱	خَطِيئَةٍ	خَطَايَا	گناه
۴	عُنْصَرٍ	عُنَاصِر	عنصر	۱۲	طَالِبٍ	طُلَّاب	دانش آموز
۵	أَمْرٍ	أَوَامِر	دستور	۱۳	أَمْرٍ	أُمُور	کار
۶	مُنِيَّةٍ	أَمَانِي	آرزو	۱۴	نَفْسٍ	نُفُوس	نفس
۷	خَاصِيَّةٍ	خَوَاص	خاصیت	۱۵	خَاصٍّ	خَوَاص	افراد خاص
۸	أَجْرٍ	أَجُور	پاداش	۱۶	أَمِيرٍ	أُمَرَا	فرمان روا

بخش ۵ : تعریف کلمات

(۱) التَّعَنُّتُ : طَرَحُ سوال ضَعْبٍ بهدَفِ اِيجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ

(۲) علم الكيمياء : عِلْمُ مطالعةِ خواصِ العناصر

(۳) علم الأحياء : علم مطالعةِ الموجوداتِ الحيَّةِ

(۴) همس : هُوَ كلامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ

(۵) السَّبُورَةُ : لَوْحُ أَمَامِ الطَّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ

بخش ۶ : نمونه سوال درس ۲

الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید

(۱) الْمُعَلَّمُ أَجَلَ النَّاسِ يُنْشَى عَقُولًا (خرداد ۱۴۰۴)

(۲) يَلْتَفِتُ التَّلْمِيذُ تَارَةً إِلَى النُّورِ (خرداد ۱۴۰۲)

(۳) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

۴) و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً

۵) إن تتقوا الله يجعل لهم فرقاً

۶) من فكّر قبل الكلام ، قلّ خطؤه

۷) ما تزرع في الدنيا تحصد في الآخرة

۸) العالم حيّ و إن كان ميتاً

۹) إذا تمّ العقل نقض الكلام

۱۰) فم عن مجلسك لأبيك و معلّمك و إن كنت أميراً

۱۱) هو استمّر على سلوكه

۱۲) كتّب الطالب على السبورة

۱۳) كان في صفنا طالب مشاغب

۱۴) فم للمعلم وقّه التبجيلاً

۱۵) سوف يتنبّه طالبك المشاغب

۱۶) كاد المعلم أن يكون رسولاً

ب) مترادف و متضاد هارو بنوید

حيّ / جهل / قام / صغر / إثم / سكّت / تارة / أفاضل / وافق / حبّ / ضرّ / فترّ / إحترام / صداقة / مرة / ميّت /
أراذل / أمام / دنا / معلم / علم / طالب / جلّس / قبلّ / جيّد / سعى / كبر / نفّع / ذنب / تلميذ / وّد / خلف /
حسن / هزّب / بغد / حاول / تبجيل / عداوة / تكلمّ / مدرّس

ج) كلمه نامتناسب را پیدا كنين :

المُعلّم	الأستاذ	المُدّرس	المُكَيّف
من	إن	إنّ	إذا

درس ۳ یازدهم

معانی لغت

مترادف

متضاد

جمع مکسر

تعریف کلمات

نمونه سوال

بخش ۱ : معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
أَشِيرَ	اشاره شد	أَعْجَبَ	شگفت زده کرد	أَمْتَلَأَ	پر شد	تَذَكَّرَ	به یاد آورد
تَعَادَلَ	برابر شد	حَنَقَ	خفه کرد	سَبَبَ	سبب شد	أَتَذَكَّرُ	به یاد می آورم
تَنَبَّهْتُ	روید	تَخَنَّقُ	خفه میکند	أَحَلَّ	حلال تر	سَجَّلَ	ثبت کرد
تَنَبَّهْتُ	می روید	وَصَفَّ	توصیف کرد	أَطِيبَ	خوب تر		
إِلْتَفَافٍ	در هم پیچیدن	بُذِرَ	دانه ها	الْتَسَلَّ	آفساید	جَذَعَ	تنه
جُزُرٍ	جزیره ها	جَوَزة	دانه گردو	الحَكَم	داور	خَانِق	خفه کننده
دُزَى	درخشان	سِيَاج	پرچین	غَاز	گاز	غَرَسَ	نهال
عُصْنٍ	شاخه	فَالِقٍ	شکافنده	كَلَا	هر دو	لُبَّ	مغز میوه
المباراة	مسابقه	الْمُتَفَرِّج	تماشاچی	محاصیل	محصولات	قَرَمَى	دروازه
مزارع	کشاورز	مُعَمَّر	کهنسال	مُلَوَّث	آلوده کننده	مواصفات	ویژگی ها
نَوَى	هسته	الهدف	گُل	مَشْكَاة	چراغدان	الساعة	قیامت
الإنتاج	تولید کردن	الدُّوَل	دولت ها	الزيت	روغن ها	السَّوَار	دستبند
العتيق	کهنه	القادم	آینده	اللاعِب	بازیکن	يَصْفِرُ	سوت میزند
المصباح	چراغ	المُعَمَّر	سالخورده	نَصِفُ	توصیف میکنیم	النَّفْط	نفت
الأثمار	میوه ها	الإشتعال	سوختن	يُعْجِبُنِي	خوشم می آید	الأفراس	اسب ها
التمثال	تندیس	الحارس القرمی	دروازه بان	الخَبِرَ	نان	الظواهر	پدیده ها
العجائب	شگفتی ها	الكرة	توپ	المحافظة	استان	المحيط الهادي	اقیانوس آرام
		كرة القدم	فوتبال				

بخش ۲: مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	مُزارع	۸	یسار
	کشاورز		شمال
۲	أطیب	۹	إجتهد
	بهرتر		چپ
۳	ذَنب	۱۰	يَقْدِرُ
	ذم		میتواند
۴	دَری	۱۱	حَدِيقَة
	دانست		بُستان
۵	يَصِير	۱۲	زَرْع
	میشود		عَرَس
۶	نوی	۱۳	قادم
	دانه ، هسته		مُستقبل
۷	مُباراة	۱۴	الأثمار
	مسابقه		میوه ها

بخش ۴: متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	ابتعاد	۸	امام
	دور شدن		خلف
۲	أَسفل	۹	يَضْحَكُ
	پایین تر		پشت
۳	يَمِين	۱۰	جَلَسَ
	راست		میخندد
۴	بدیع	۱۱	تَذَكَّرَ
	نو		نَهَضَ
۵	تَدْرِجِيّاً	۱۲	عَرَسَ
	به تدریج		نَشِست
۶	عَصِي	۱۳	إِمْتَلَأَ
	کاشت		خالی شد
۷	مُعَمَّرَة	۱۴	أَطِيبَ
	کهنسال		سَرَّ

بخش ۴ : جمع مکسر ها

شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)	شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)
۱	جذع	جذوع	تنه	۱۲	بذر	بُذور	دانه
۲	ذَنب	أَذْنَاب	دُم	۱۳	ذیل	أُذْيَال	دُم
۳	جَنَاح	أَجْنَحَة	بال	۱۴	حَدِيقَة	حَدَائِق	باغ
۴	محصول	محاصيل	محصول	۱۵	جزیره	جزائر / جُزُر	جزیره
۵	ثمر	أَثْمَار	میوه	۱۶	شَجَرَة	أَشْجَار	درخت
۶	عُصْن	أَغْصَان	شاخه	۱۷	عُصْن	عُصُون	شاخه
۷	سَائِح	سَيَّاح	جهانگرد	۱۸	حَبّ	حُبُوب	دانه
۸	متر	أَمْتَار	متر	۱۹	کنز	کُنُوز	گنج
۹	فَرَس	أَفْرَاس	اسب	۲۰	کوکب	کَوَاكِب	ستاره
۱۰	عين	عيون	چشم	۲۱	صورة	صُور	عکس
۱۱	دولة	دُول	دولت	۲۲	سوار	أَسَاوِر	دستبند

بخش ۵ : تعریف کلمات

۱) المحيط الهادي : بحر يُعَادِل ثُلُثَ الْأَرْضِ تقريباً

۲) التفاف : التَّجَمُّعُ و الدوران حول شيء

۳) الْمُعَمَّر : الذي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْراً طويلاً

۴) الْمَزَارِع : الذي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ

۵) مواصفات : صفاتُ أَحَدٍ أو شيءٍ

بخش ۶ : نمونه سوال درس ۳

الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید

۱) يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ بَعْضِ الْأَثْمَارِ (خرداد ۱۴۰۳)

۲) يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ

۳) اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ

۴) ارسلنا الى فرعون رَسُولاً فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

(۵) اِزْرَعُوا و اِغْرَسُوا... و الله ما عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا اَحَلَّ و لا اَطِيبَ مِنْهُ :

(۶) ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِشُ غَرْسًا اِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْاَجْرِ قَدْرَ ما يُخْرِجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ

(۷) سَئِلَ النَّبِيُّ : اَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ ؟ قَالَ : زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ

(۸) اِئْحَ شَجَرَةُ النَّفْطِ كَرِيهَةً

(۹) الْحَكَمُ ما قَبِلَ الْهَدَفَ بِسَبَبٍ تَسْلُلُ

(۱۰) شَجَرَةُ الْبُلُوْطِ شَجَرَةٌ مُعَمَّرَةٌ

(۱۱) يَنْمُو جَوْزُ الْبُلُوْطِ عَلَى غُصْنِهِ

(۱۲) تَبَدُّأُ حَيَاةِ شَجَرَةِ الْخَانَقَةِ بِالْاِلْتِافِ حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ

(۱۳) يُعْجِبُنِي جَدًّا ذَلِكَ الْحِوَارِ الْجَمِيلُ

(۱۴) صَدِيقِي حَارِشُ مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ

(۱۵) الْمُزَارِعُونَ اسْتَخْدَمُوا السِّيَاحَ لِحِمَايَةِ الْمَحَاصِلِ

(۱۶) اِلْتَفَتَ الْغُصُونُ حَوْلَ بَعْضِ الْأَزْهَارِ وَ سَبَّيَتْ مَنَاطِرُ جَمِيلَةٍ

(۱۷) خَنَقَ الْغَازُ الْمُلَوَّثُ الْعَامِلَ فِي الْمَصْنَعِ

(ب) مترادف و متضاد هارو بنويسيد

أَحَلَّ / اِشْتِعَالَ / حَرَّمَ / تَعَالَ / سَرِيعَ / غَرَسَ / مُطَهَّرَ / مُبَارَاةَ / يَمْتَالِ / خُصُوصِيَّاتَ / تَذَكَّرَ / لُبَّ / أَطِيبَ / حَيَّ /
دَافَعَ / خَصَدَ / اِحْتَرَقَ / هَجَمَ / اِمْتَلَأَ / اِذْهَبَ / مُزَارَعَ / فَرَّغَ / مُوَاصَفَاتَ / نَوَى / مُسَابَقَةَ / مَخْفَى / أَحْسَنَ /
مُلَوَّثَ / مَيِّتَ / نَسَى / فَلَاحَ / مُجَسِّمَةً / مُسْتَوْرَ / تَدْرِجِي

(ج) كلمه نامتناسب را پيدا كنين :

الهدف	المرمى	اللاعب	الذهاب (خرداد ۱۴۰۴)
(۲) بذر	جوز	حب	جذع
(۳) أحل	أطيب	أحسن	أفضل

درس ۴ یازدهم

معانی لغت

مترادف

متضاد

جمع مکسر

نمونه سوال

بخش ۱: معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
تَدَخَّلَ	دخالت کرد	جَرَّ	کشید	حَدَّثَ	سخن گفت	خَشَعَ	فروتنی کرد
				لَا تُحَدِّثُ	سخن نگو		
دعا	فراخواند	رَفَعَ	بالا برد	سَبَّحَ	سیر شد	عَرَّضَ	در معرض گذاشت
		لَا تُرَفِّعْ	بالا برده نمیشود	لَا تَسْبُحْ	سیر نمیشود		
عَوَّدَ	عادت داد	كَلَّمَ	سخن گفت	قَفَا	پیروی کرد	أَقْنَعَ	قانع کرد
						يُقْنِعُ	قانع میکند
بِرنامج	برنامه	الْتَهَمَ	تهمت ها	الرَّزَلَ	جای لغزنده	سَدِيدٌ	درست و استوار
قِلَّةٌ	کمی	لَيْنٌ	نرم (صفت)	لَيْنٌ	نرمی (مصدر)	مُخْبِوءٌ	پنهان
فُحْشٌ	گفتار زشت	مُرَّ	تلخ	طَوْبَى لـ	خوشا به حال	إِشْتَرَيْتُ	خریدم
الْأَقْوَى	قوی تر	أَلْفَانِ	دو هزار	أُفْتُشُ عَنْ	دنبال.. میگردم	تَشْبَعُ	سیر نمیشود
لَا تَقِفْ	پیروی نکن	التَّغْلِبَ	روباه	الْحَاسِبُ	رایانه	يَقْفُزُ	می پرد
أَدْرَكَ الشَّيْءَ	بدان چیز رسید و به آن پیوست	إِرْضَاءٌ	راضی ساختن	إِشْتَرَيْتُ	خریدم	أَقْوَالٌ	گفتارها
التَّعَنُّتُ	مچ گیری	الْخَطِيبَ	سخنران	رُبَّ	چه بسا	قَلَّ	کم شد

بخش ۲: مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	كَلَّمَ	۷	مُخْبِوءٌ
	حَدَّثَ		خَفِيَ
۲	مخلوط	۸	حُسَامٌ
	ممزوج		سَيْفٌ
۳	دَعَ	۹	غَايَةٌ
	أَتَرَكَ		هَدَفٌ
۴	دَلَّ	۱۰	قَفَا
	أَرْشَدَ		إِتَّبَعَ
	راهنمایی کرد		پیروی کرد

مُحَكِّم	سدید	۱۱	خَصَّعَ	خَشَّعَ	۵
استوار			فروتنی کرد		
سَحَبَ	جَرَّ	۱۲	صَدَاقَة	مَوَدَّة	۶
کشید			دوستی		

بخش ۳: متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	لَئِن	۶	لَئِن
	نرم		نرمی
۲	مُذَّ	۷	تَصَدِّقَ
	تلخ		باور کردن
۳	قَلَّةَ	۸	مَخْبُوءَ
	کمی		پنهان
۴	مَنْعَ	۹	شَبَّعَ
	ستایش کرد		سیر شد
۵	مَرَارَة	۱۰	صَدِيقَ
	تلخی		دوست

بخش ۴: جمع مکسر ها

شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)	شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)
۱	تُّهْمَة	تُّهَمَ	تهمت	۹	مَوْضِعَ	مَوَاضِعَ	جایگاه
۲	نَصٌّ	نصوص	متن	۱۰	بِرَنامِجَ	بِرَماجَ	برنامه
۳	رِيحَ	رياح	باد	۱۱	قَوْلَ	أَقْوَالَ	گفتار
۴	سَوَارَ	أساور	دستبند	۱۲	فِلمَ	أفلام	فیلم
۵	فَقِيرَ	فُقرا	فقییر	۱۳	أَدَبَ	آداب	ادب
۶	عَقْلَ	عُقول	خرد	۱۴	مَلْبِيسَ	ملابس	لباس
۷	زَهْرَة	أزهار	شکوفه	۱۵	سَبِيلَ	سُبل	راه
۸	لِسَانَ	ألسن	زبان	۱۶	لُبَّ	ألباب	مغز

بخش ۵ : نمونه سوال درس ۴

الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید

(۱) عَوَّدَ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ (خرداد ۱۴۰۴)

(۲) طَوَّبِي لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ (خرداد ۱۴۰۳)

(۳) فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسْلَمَ مِنَ الزَّلَلِ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)

(۴) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

(۵) اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

(۶) كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

(۷) اتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ :

(۸) تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا ، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ

(۹) زَبَّ كَلَامِ كَالْحُسَامِ

(۱۰) اِرْضَاءِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُذْرَكَ

(۱۱) إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِيهِ

(۱۲) اتَّقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ

(۱۳) قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا

(۱۴) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يَنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ

(۱۵) الْكَلَامُ يَجُرُّ الْكَلَامَ

(۱۶) لَا تُحَدِّثْ بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبُهُ

(۱۷) مِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْبُهُ

(۱۸) عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَ خَرِبَتْ بَيْتَ الْمُزَارِعِ جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ

(۱۹) عَوَّدَ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ

ب) مترادف و متضادها را بنویسید :

مُسْتَمِع / عَرَضَ / نَصِيحَة / كَلَام / سَاخِر / قَلَّة / تَكْذِيب / قَفَا / مَخْبُوء / مَوَدَّة / لَيِّن / مُتَكَلِّم / تَصْدِيق / خَفِيَ /
صَدَاقَة / سَار / حَشِن / تَوَاضَل / مَشَى / تَذَكَّرَ / مُسْتَهْزِئ / نَسِيَ / مَوْعِظَة / خَشُوع / كَثْرَة / سَكُوت / تَوَاضَع /
أَطَاعَ / خَفَى / إِرْتَبَاط

ج) کلمه نامتناسب را پیدا کنید :

رأس (۱)	يَد	سِيَاح	قَدَم
قِشْر (۲)	غَاز	لُب	نَوَى
خَطِيئَة (۳)	ذَنْب	إِثْم	مُتَكَلِّم
فُسْتَان (۴)	سِرْوَال	تَعَنُّت	قَمِيص

درس ۵ یازدهم

معانی لغت

مترادف

متضاد

جمع مکسر

تعریف کلمات

نمونه سوال

بخش ۱ : معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
أَجَلَ	به تاخیر انداخت	إِسْتَشَارَ	مشورت کرد	إِضْطَرَّ	ناگزیر کرد	اغْتَرَّ	فریب خورد
يُؤَجِّلُ	به تاخیر می اندازد	لَا تَسْتَشِيرُ	با... مشورت نکن	تَضَطَّرَّ	ناگزیر میشود		
بَعَدَ	دور کرد	تَبَيَّنَ	آشکار شد	رَاجَعَ	مراجعه کرد	رَزَقَ	روزی داد
يُبَعِّدُ	دور میسازد						
سَأَى	رانندگی کرد	صَمِنَ	ضمانت کرد	عَاهَدَ	پیمان بست	فَاتَ	از دست رفت
يَسُوْقُ	رانندگی میکند	تَضَمَّنُ	ضمانت میکند				
فَشِلَ	شکست خورد	قَرَبَ	نزدیک کرد	قَرَّرَ	قرار گذاشت	نَالَ	دست یافت
تَفَشَّلَ	شکست میخوری					لَنْ تَنَالُوا	دست نخواهید یافت
نَدَبَ	فراخواند	وَاجَهَ	رو به رو شد	وَزَّعَ	پخش کرد	الاحتیال	فریبکاری
		تَوَاجَهَ	رو به رو میشود				
أَدْوِيَة	داروها	إِطَارَ	تایر	حَزَجَ	حالت بحرانی	حُطَّةَ	نقشه ، برنامه
خُلَّةَ	دوستی	زَاوِيَة	گوشه	صُعُوبَة	سختی	الصيام	روزه
عِدَّة	چند	مُحَدَّد	مشخص شده	مُعَارَضَة	مخالف	مَقَال	گفتار
لِكَيْلَا	تا .. نه	صَيْدَلِيَّة	داروخانه	قُطْن	پنبه	جِلْد	پوست
مِحْرَار	دماسنج	الجامعة	دانشگاه	الصَيْدَلِيّ	داروخانه دار	الْوَصْفَة	نسخه
الأسئلة	پرسش ها	الإطار الإحتیاطی	لاستیک زاپاس	الأوراق	برگ ها	التأجيل	به تاخیر انداختن
الحيوب	قرص ها	الحضرة	جناب	راجع	مراجعه کن	القاعة	سالن
الكاذب	دروغگو	المُعَارضة	مخالفت	لَنْ نَنْسَى	فراموش نخواهیم کرد	يَعْصَى	سرپیچی میکند

بخش ۲: مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	أَرَادَ	۱۰	حَاوَلَ
	خواست		سعی
۲	قَدَرَ	۱۱	أَجَّلَ
	توانست		آخر
۳	مَقَالَ	۱۲	أَضْمَرَ
	گفتار		پنهان کرد
۴	أَسْرَعَ	۱۳	مَشَاكِلَ
	شتافت		صعوبات
۵	حُلَّةَ	۱۴	يَهْدِي
	دوستی		راهنمایی میکند
۶	نَذَبَ	۱۵	إِخْتَبَرَ
	فراخواند		آزمود
۷	وَزَعَ	۱۶	مُعَارَضَةً
	تقسیم کرد		مخالفت کردن
۸	نَالَ	۱۷	مُسْكِنَةً
	به دست آورد		آرام بخش
۹	غیر مسموح	۱۸	خُطَّةَ
	غیرمجاز		برنامه ، نقش

بخش ۳: متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	قَرَبَ	5	أَجَّلَ
	نزدیک ساخت		به تاخیر انداخت
۲	تُحِبُّ	6	صُعُوبَةً
	دوست داری		سختی
۳	صَدِيقَ	7	قَصِيرَ
	بسیار راستگو		کوتاه
۴	خُلَّةَ	8	نَجَحَ
	دوستی		پیروز شد

بخش ۴: جمع مکسر ها

شماره	لغت(مفرد)	جمع مکسر	معنی(مفرد)	شماره	لغت(مفرد)	جمع مکسر	معنی(مفرد)
۱	دواء	أدویة	دارو	۷	معصية	معاصی	گناه
۲	برنامج	برامج	برنامه	۸	ذنب	ذنوب	گناه
۳	زاویة	زوايا	گوشه	۹	خطة	خُطط	نقشه
۴	حبیب	أحبّة	دوست	۱۰	مفتاح	مفاتيح	کلید
۵	جلد	جلود	پوست	۱۱	ورق	أوراق	برگه
۶	جدع	جدوع	تنه	۱۲	أسبوع	أسابيع	هفته

بخش ۵ : تعریف کلمات

- (۱) واجة : شاهد وجهاً لوجه
- (۲) تبیین : ظهر و صار واضحاً
- (۳) فُشِلَ : لم ينجح بل خسر
- (۴) عاهد : أعطاه عهداً و قولاً بأن يفعل شيئاً
- (۵) أجل : قرّر أن يفعل ما قصده مع التأخير

بخش ۶ : نمونه سوال درس ۵

الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید

- (۱) یوزع الأستاذ أوراق الامتحان (خرداد ۱۴۰۳)
- (۲) ليس لنا أطار احتياطي و لا توجد سيارة ننقلنا إلى الجامعة (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
- (۳) و عسى أن تكثرها شيئاً و هو خير لكم و عسى أن تحبوا شيئاً و هو شر لكم
- (۴) أنفقوا مما رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه و لا خلة و لا شفاع
- (۵) ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج
- (۶) إن الله لا يهدي من هو كاذب كفار
- (۷) فاصبروا حتى يحكم الله بيننا

(۸) يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ

(۹) لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ

(۱۰) لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ

(۱۱) مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَ الْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ

(۱۲) الْكَذِبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ

(۱۳) خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صَدَقِ الْمَقَالِ بِصَدَقِ مَقَالِهِ

(۱۴) لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ

(۱۵) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدَقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاِحْتِيَالِهِ

(۱۶) لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ

(۱۷) جَهَّزِ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ لِلصِّيَامِ

(۱۸) قَالُوا لَهُ نَادِمِينَ

(۱۹) لِي خُطَّةٌ لِتَأْجِيلِ الْإِمْتِحَانِ

(۲۰) احْضُرْ لِلإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ

(۲۱) فِي الصِّيدَلِيَّةِ تَوْجَدُ أُدْوِيَّةٌ لِحَسَاسِيَةِ الْجِلْدِ

(ب) مترادف و متضادها را بنویسید :

تأخير / غَيْرَ / حَدَّثَ / قَرَّرَ / كَذَّبَ / كَلَّمَ / يُبْعِدُ / دَعَا / تَأْجِيلَ / عَاهَدَ / نَذَبَ / صَعُوبَةَ / إِخْوَانِ / سَهُولَةَ / أَخَوَاتِ /
بَدَّلَ / صَدَقَ / أَجَلَ / قَدَّمَ / حَزَنَ / يُقَرِّبُ / مُحَدَّدَ / فَرِحَ / فَعَلَ / مَعَيْنَ / إِبْتَعَدَ / إِمْتَنَعَ / إِجْتَنَبَ

(ج) کلمه نامتناسب را پیدا کنین :

المقال (۱)	الإطار	الكلام	القول (خرداد ۱۴۰۳)
جُدوع (۲)	مقال	أغصان	أثمار (شهریور ۱۴۰۲)
إِثْم (۳)	خُطَّة	ذَنْب	مَعْصِيَّة
مقال (۴)	قول	حَرَج	كَلَام

جِذَع	ثَمَر	وَرَق	(۵) کُرسِی
أَحْمَر	أَسْوَد	أَحْسَن	(۶) أَبْيَض

درس ۶ یازدهم

معانی لغت

مترادف

متضاد

جمع مکسر

تعریف کلمات

نمونه سوال

بخش ۱ : معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
أَسْلَمَ	اسلام آورد	أَشَارَ	اشاره کرد	أَطْعَمَ	خوراک داد	أَلْقَى	انداخت
آمَنَ	ایمن کرد ایمان آورد	أَوْصَى	سفارش کرد	شَكَّلَ	تشکیل داد	عَدَّ	به شمار آورد
قَارَبَ	نزدیک شد	وَلَدَ	زایید	أُرْدِيَّةَ	اردو	إِنْجِلِيزِيَّةَ	انگلیسی
أَنْقَرَةَ	آنکارا	ثَقَافِيَّ	فرهنگی	جَوَعَ	گرسنگی	حَضَارَةٌ	تمدن
دُكْتُورَاه	دکترا	شَهَادَةِ	مدرک	الصَّفَدَ	بی نیاز	فَخْرِيَّةَ	افتخاری
فَرَنْسِيَّةَ	فرانسوی	أَلْكَفُو	همتا	مُحَاضِرَةٌ	سخنرانی	مَدَّ	کشیدن گسترش
مُسْتَشْرِقَ	خاورشناس	مُعْجَبَةٌ بِـ	شیفته	مُقَابَلَةٌ	مصاحبه	مُنَدُّ	از هنگام
أَلْقَى	سخنرانی کرد	إِنْتَبَهُوا	متوجه شدند	الثَّقَافَةِ	فرهنگ	الْجُسُورَ	پل ها
الْجَوَالَ	تلفن همراه	الحَقِيقَةِ	کیف ، چمدان	الدراسات	پژوهش ها	الشَّرِيحَةِ	سیمکارت
الأشْهَرُ	مشهورتر	المِيَادِينِ	میدان ها ، عرصه ها	إِنْتَبَهُوا	آگاه شدند بیدار شدند	البَطَارِيَّةَ	باتری
تَيَاسُ	ناامید میشود	الحَقِيقَةِ	کیف ، چمدان	دَرَسَ	درس داد	الدَّهْرَ	روزگار
الشَّبَابَ	جوانان	الطُّفُولَةِ	کودکی ، خردسالی	مَاتَ	مُرد	وُلِدَ	زاده شد
الفرائضَ	واجبات دینی	النِّيامِ	خفتگان	يَلِدُ	می زاید		

بخش ۲ : مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	أَهْلَ	۷	صُلِحَ
	أُسْرَةَ		سَلَامَ
۲	مَكْرُوبَ	۸	سَاعَدَ
	مَحْزُونِ		نَصَرَ
۳	مَسَاكِينِ	۹	فَتَحَ
	فُقَرَاءَ		فَكَّ
	نِیَازمندان		باز کرد

۴	حَصَلَ عَلٰی	گَسَبَ	۱۰	عَدَّ	حَسِبَ
	به دست آورد			به شمار آورد	
۵	مُعْجَبٌ	مُحِبٌ	۱۱	جَوَّارٌ	مُحَادَّثَةٌ
	شیفته ، دوستدار			گفت و گو	
۶	مَدَّ	بَسَطَ	۱۲	أَلْقَى	قَذَفَ
	گسترش داد			انداخت	

بخش ۳ : متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	حزین	۶	ذلیل
	غمگین		عزیز
۲	ذلّ	۷	فقراء
	خوار شد		نیازمندان
۳	لَكَ	۸	جوع
	به نفع تو		گرسنگی
۴	أَسْلَمَ	۹	صَمَدٌ
	اسلام آورد		بی نیاز
۵	يُنْسِي	۱۰	عداوة
	نامید شد		دوستی

بخش ۴ : جمع مکسر ها

شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)	شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)
۱	فضيلة	فضائل	برتری	۱۲	جُهد	جهود	تلاش
۲	قيمة	قَیَم	ارزش	۱۳	أَسیر	أُسرا	اسیر
۳	صفی	أَصْفیاء	برگزیده	۱۴	فَرِیضة	فرائض	واجب
۴	حقیبة	حَقَائِب	کیف	۱۵	خِصلة	خِصال	ویژگی
۵	مَکَرمَة	مَکَرم	بزرگواری	۱۶	عِرض	أَعراض	آبرو
۶	شَدیدَة	شَدائد	سختی	۱۷	حَقِیقة	حَقائِق	حقیقت
۷	دُعَاء	أَدْعِیَة	دعا	۱۸	شَأْن	شُؤون	زمینه
۸	جِسَر	جُسُور	پل	۱۹	نَائِم	نِیام	خوابیده

۹	عزب	أعراب	عرب	۲۰	الشعب	الشعوب	ملت
۱۰	میدان	میادین	میدان	۲۱	الشهر	الشهور	ماه
۱۱	رزق	أرزاق	روزی	۲۲	أديب	أدباء	دانشمند

بخش ۵ : تعریف کلمات

(۱) الذکُوراه : هی شهادة تُعطى لِشخصٍ تقدیراً لِجُهودِهِ فی مجالٍ مُعین

(۲) أنقرة : ثانی أكبر مدینة فی تُرکیا بعد إسطنبول

(۳) الحضارة : تُسمی مظاهر التقدم فی میادین العلم و الصناعة و الأدب

(۴) الثقافة : هی القيمُ المُشتركةُ بین جماعة من الناس

(۵) الزميل : هو الشخص الذي یعملُ مَعَكَ

(۶) الأردیة : من اللغات فی العالم و یتكلّمُ الشعب الباكستاني بها

(۷) الإنجليزیة : اللغة الرّسمیة فی بريطانيا

بخش ۶ : نمونه سوال درس ۶

الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید

(۱) الطفلُ یبکی من الجُوع (خرداد ۱۴۰۴)

(۲) حصلَ علی شهادة الدكتوراه فی الفلسفه و الدراسات الاسلامیة (شهریور ۱۴۰۲)

(۳) إِنَّ اللَّهَ لَا یَغَیِّرُ ما بِقومٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوا ما بأنفُسِهِمْ

(۴) علی الله فَلِیَتَوَكَّلِ المؤمنین

(۵) أَوْ لَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ

(۶) قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا

(۷) فَلِیَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَیتِ ؛ الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَّ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

(۸) النَّاسُ نِیامٌ ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا

۹) آمرني بِمُدَارَةِ الناسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الفرائضِ

۱۰) الدهرُ يومانٍ ، يومٌ لَكَ و يومٌ عليك

۱۱) أعطيتُ الشهادةَ الفخريةَ لأستاذي في الجامعة

۱۲) الإتحادُ بينَ الحضاراتِ

۱۳) ذهبْتُ إلى المتجرِ لشراءِ بطاريةِ الجوّالِ

۱۴) إِنَّ أَنْقَرَةَ ثاني أكبر مدينة في تركيا

۱۵) رأيتُ أستاذي في مُقابِلَةٍ

۱۶) و لم يكن له كُفُواً أحدٌ

ب) مترادف و متضادها را بنويسيد :

حياة / قليل / عيش / ذَهَبَ / حوار / سَعَى / رَجَعَ / مُقَابِلَة / كَثِير / لَكَ / جَهْد / حَصَلَ عَلَى / شَاءَ / خَوْفَ / لِسَانِ /
/ إِنْتَبَهَ / أَرَادَ / لُغَةً / كُفُو / عَدَاوَةٌ / جَاهِل / عَلَيْكَ / شَبِيه / رَجَاءَ / نَامَ / صَدَاقَةٌ / عَاقِلَ

ج) كلمه نامتناسب را پيدا كنين :

۱) القرية	المدينة	البلاد	الشهر (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
۲) صديق	حبيب	قميص	زميل
۳) طفولة	شهادة	شباب	كبر
۴) رحلة	أسبوع	سنة	يوم
۵) مدينة	قرية	طويلة	بلد

درس ۷ یازدهم

معانی لغت

مترادف

متضاد

جمع مکسر

تعریف کلمات

بخش ۱ : معنی لغات

لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه	لغت	ترجمه
إِزْدَادٌ	افزایش یافت	إِشْتَدَّ	شدت گرفت	إِشْتَقَّ	برگرفت	إِشْتَهَى	خواست
أَلْفٌ	همدل کرد تألیف کرد	بَيَّنَّ	آشکار کرد	تَحَسَّنَ	خوب شد	تَغَيَّرَ	تغییر کرد
شَارَكَ	شرکت کرد	ضَمَّ	در برگرفت	نَطَقَ	بر زبان آورد	نَظَّفَ	تمیز کرد
اسْتَلَمَ	دریافت کرد	إِلْتَقَى	دیدار کرد	الألفاظ	سخن ها	البيان	سخن
نَقَلَ	منتقل کرد	وَفَى	وفا کرد	الألم	درد	انضمام	پیوستن
آیات	نشانه ها	حُمِّيَ	تب	دَخِلَ	وارد شده	دِيَّاج	ابریشم
مِسْكٌ	مُشْكٌ	رُكَّامٌ	سرمایه خورگی	المُخَضَّرُ	سرسبز	مُصَابٌ	دچار
مُعْزَّبٌ	عربی شده	مُفْرَدَاتٌ	واژگان	وَفَقًا لـ	بر اساس	إِسْتَوْدَعَ	سپرد
الأفواه	دهان ها	البضائع	کالاها	الخاتم	انگشتر	الخشبي	چوبی
الدم	خون	السريِر	تخت	الشَّرِيف	ملافه	الضُّدَاع	سر درد
فَحَصٌ	معاینه کرد	القماش	پارچه	المُسْتَوْصَف	درمانگاه	المُغْلَق	بسته
التراب	خاک	تَشْتَهَى	می خواهد	التفاح	سیب	تَمَنَّى	آرزو کرد
السُّفُن	کشتی ها	الضُّغَط	فشار	الفنون	هنرها	مَرَضُ الشُّكْرِ	مرض قند
المُصَاب	دچار شده	المَقَرَّ	راهرو	المهرجان	جشنواره	يَنْضَمُّ	مپیوندد

بخش ۲ : مترادف ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	حُبٌّ	۷	مصباح
	دوستی		سراج
۲	مُفْرَدَاتٌ	۸	آلم
	کلمات		چراغ
۳	صَارَ	۹	فَمٌ
	شد		درد
۴	أَهْلٌ	۱۰	بَيَّنَّ
	خانواده		آشکار کرد
۵	ضَمَّ	۱۱	ساکِت
	در بر گرفت		صامت
			ساکت

۶	أَرَادَ	إِشْتَهَى	۱۲	نَطَقَ	حَدَّثَ
	خواست			بر زبان آورد	

بخش ۳ : متضاد ها

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	تُحِبُّ	۶	فَوَى
	دوست داری		تَحْتِ
۲	عَتِيقٌ	۷	عَصَى
	قدیمی		نافرمانی کرد
۳	مُخْلَقٌ	۸	بَدَايَةٌ
	بسته		پایان
۴	إِنْضَمَّ	۹	قَلَّ
	پیوست		کم شد
۵	أَعْدَاءُ	۱۰	إِسْتَلَمَ
	دشمنان		دریافت کرد

بخش ۴ : جمع مکسر ها

شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)	شماره	لغت (مفرد)	جمع مکسر	معنی (مفرد)
۱	أَصْلٌ	أَصُولٌ	ریشه	۱۲	سَفِينَةٌ	سُفُنٌ / سَفَائِنٌ	کشتی
۲	لِسَانٌ	أَلْسِنَةٌ	زبان	۱۳	مُعْجَمٌ	مُعَاجِمٌ	فرهنگنامه
۳	سَائِحٌ	سَيَاحٌ	گردشگر	۱۴	فَرَسٌ	أَفْرَاسٌ	اسب
۴	بِضَاعَةٌ	بِضَائِعٌ	کالا	۱۵	بَلَدٌ	بِلَادٌ	کشور
۵	أَعْظَمُ	أَعَاظِمٌ	بزرگ تر	۱۶	لَفْظٌ	أَلْفَاظٌ	واژه
۶	رِيحٌ	رِيَاحٌ	باد	۱۷	وِزَنٌ	أَوْزَانٌ	وزن
۷	أَسْلُوبٌ	أَسَالِيبٌ	شیوه	۱۸	خَاتَمٌ	خَوَاتِمٌ	انگشتر
۸	غَزَلٌ	غِزْلَانٌ	آهو	۱۹	سَرِيرٌ	سُرُرٌ	تخت
۹	مَاءٌ	مِيَاهٌ	آب	۲۰	فَمٌ	أَفْوَاهٌ	دهان
۱۰	أَلَمٌ	آلَامٌ	درد	۲۱	حُمَّى	حُمَمَاتٌ	تب
۱۱	قُمَاشٌ	أَقْمِشَةٌ	پارچه	۲۲	بُقْعَةٌ	بِقَاعٌ	تکه زمین

بخش ۵ : تعريف كلمات

- (۱) الْمِسْكُ : عَطَرٌ يَتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ
- (۲) الشَّرَشَفُ : قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ وَ غَيْرِهِ
- المُعَرَّبَة : الكلمات غير العربيّة التي دخلت اللغة العربيّة و العَرَبُ يَنْطَقُونَهَا وَفَقاً لِأَلْسِنَتِهِمْ

بخش ۶ : نمونه سوال درس 7

- (الف) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید
- (۱) الدِّيَاخُ ما كان عند الغرب (خرداد ۱۴۰۳ - خرداد ۱۴۰۲ صبح)
 - (۲) و يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم و الله أعلم بما يَكْتُمُونَ
 - (۳) أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً
 - (۴) و كان يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ
 - (۵) هو أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً
 - (۶) ولقد كان في يوسف و إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْسَّائِلِينَ
 - (۷) يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ
 - (۸) اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً
 - (۹) و يعرف المجرمون بِسِيْمَاهُمْ
 - (۱۰) و اسألوا الله من فضله إِنَّ اللهَ كان بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً
 - (۱۱) إِنِّي مَسْئُولٌ و إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنْ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ
 - (۱۲) جَرِيَ الرِّيحُ بما لا تَشْتَهِي السُّفُنُ
 - (۱۳) الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ
 - (۱۴) أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي
 - (۱۵) يَبِيعُ الرَّجُلُ الْمِسْكَ
 - (۱۶) كَلِمَاتٌ دَخِيلَةٌ كَثِيرَةٌ

(۱۷) انا مُصابٌ بِزُكامٍ

(۱۸) عندي حُمى شديدة

(۱۹) الكلمات المُعَرَّبَةُ في اللغة العربية كثيرة

(۲۰) قال الطبيبُ بعدَ الفحصِ

(ب) مترادف و متضادها را بنويسيد :

صارَ / نَطَقَ / سامِعَ / أصبحَ / ازدادَ / إستلامَ / مؤلَّفَ / قائلَ / إنضمامَ / كَلَّمَ / كاتِبَ / قَلَّ / انفصالَ / بَيَّنَّ / وَضَعَ /
كِتمانَ / إظهارَ / رَفَعَ / نَشِيطَ / أظهَرَ / مُفرداتَ / إرسالَ / فَرِحَ / كَلِماتَ

(ج) كلمه نامتناسب را پيدا كنين :

الزُكام (خرداد ۱۴۰۴)	الضُّداع	الحُمى	(۱) السُّكَّر
صَدْر (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)	مرض السُّكَّر	الضُّداع	(۲) ضغط الدَّم
يَد	گَنز	لسان	(۳) فَم
مُعَرَّب	زُكام	ضغط الدَّم	(۴) ضُّداع

موضوعی

عربی

پایه یازدهم

قواعد

کیلومتر ۲۰ جاده نهایی

درس ۱: اسم تفضیل + مکان : (توجه : اسم فاعل و مفعول و مبالغه آخر همین جزوه اومده)

موضوع ۱ : عین اسم التفضیل:

افاضلنا من یحبون العلم و یعلمون به.

أفعل : أكبر ، أحسن ، أكرم ، أصغر ،

أفل : أول ، أذق ، أصح ، أخف ، ...

اسم تفضیل : أفعی : أعلى ، أولى ، أزکی ، ابقى ، ...

فُعلی : کُبری ، صُغری ، فُضلی ، ... : مخصوص مونث

أفاعِل : أراذل ، أفاضل ، ... : جمع مکسر هستن

دقت : اسم تفضیل بر وزن «فُعلی» گاهی به شکل «فُعلا» میاد؛ مثل : دُنیا : پایین تر ، غُلیا : بالاتر

دقت : اگه اسم تفضیل به شکل « افعی » به همراه ضمائر متصل نصب و جرّ (ه ، هما ، ک ، کما ، ...) بیاد

آخرشون به الف کشیده ختم میشه؛ برای مثال: اخفاکم ، اعلاها ، اقواکم ، اتقاکم ،

دقت : اگه کلماتی در وزن أفعل بودن که به رنگ و عیب دلالت داشتن جزو اسم تفضیل نیستن : مثل أَحمر ، أَسود ، أبيض ، ...

موضوع ۲ : قضیه خیر و شر :

ليلةُ القدرِ خَيْرٌ مِنْ ألفِ شهرٍ

من غلبت شهوته عقله فهو شرٌّ من البهائم.

خیر و شر همیشه اسم تفضیل نیستن و یه دام به خصوص دارن :

اگه بعد از خیر و شر حرف جر «من» یا مضاف الیه یا ضمیر جمع بیاد اسم تفضیل هستن و به معنی خوب تر ، بهتر ، بدتر ، بهترین ، بدترین: العلمُ خَيْرٌ مِنَ المال / خیر **الأُمور** اوسطها.

نکته مهم اینجاست که اگه خیر و شر ال داشته باشن یا تو ترکیب : لا + خیر / شرّ قرار بگیرن دیگه اسم تفضیل نیستن و معنی خوبی یا بدی میدن : لا خیر فی الکذب : هیچ خیری در دروغ نیست

موضوع ۳ : کاربرد اسم تفضیل :

فاطمة مِنْ مَرِيَمَ. (أَفْضَلُ - فَضْلِي - الْفَضْلِي)

اگه بخوایم بین دو اسم چه مذکر چه مونث مقایسه بکنیم از اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» استفاده میکنیم :
مثال : زینب **احسن** من فاطمة اخلاقاً: اخلاق زینب از فاطمه بهتر است. / اریذُ سراویل **افضل** من هذه
اگه بخوایم از اسم تفضیل به عنوان صفت برای اسم مونث استفاده کنیم اصولاً بر وزن «فُعْلَى» میاد (برا مذکر
که مشخصه بر وزن أَفْعَل هست) : خديجة الكبرى : خدیجه بزرگتر

موضوع ۴ : ترجمه اسم تفضیل :

بعضَ الأوقات قُدْرَةُ الكلامِ أقوى مِنْ السلاحِ
أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

ترجمه اسم تفضیل:

- ۱) اسم تفضیل + مِنْ : با «تر» ترجمه میشه : هذا **أكبرُ مِنْ** ذاك : این از آن **بزرگتر** است / ليلة القدر **خيرُ مِنْ** ألف شهر : شب قدر از هزار شب **بهتر** است
- ۲) اسم تفضیل + اسم (معمولاً مضاف الیه) : با «ترین» ترجمه میشه : **أحبُّ** عباد الله **إنفعَهم** لعبادة : **محبوبترین** بندگان نزد خدا **سودمندترین** آنهاست نسبت به بندگان
- ۳) معمولاً اسم تفضیل تو حالت **صفت** به صورت «تر» دار ترجمه میشه: اخي الأصغر : برادر کوچکترم

موضوع ۵ : شناخت اسم مکان :

كانت مَكْتَبَةُ جُنْدِي سابور في خوزستان

بر وزن مَفْعَل : مَسْجِد ، مَحْفِل ، مَشْرِق ، ...

بر وزن مَفْعَل : مَكْتَب ، ...

اسم مکان

بر وزن مَفْعَلَة : مَدْرَسَة ، ...

بر وزن مَفَاعِل : مَسَاجِد ، مَكَاتِب ، مَدَارِس ، ... : جمع مکسر هستن

اینم تا یادم نرفته بگم که «آخِر» اسم تفضیل هست ولی «آخِر» اسم فاعل .
 مونث آخِر میشه أُخْرى ولی مونث آخِر میشه آخِرة
 معنی آخِر میشه دیگر ولی معنی آخِر میشه پایان

نمونه سوال درس ۱ :

در عبارت های زیر اسم فاعل ، اسم مفعول ، اسم مبالغه ، اسم تفضیل و مکان رو پیدا کنین :

- (۱) اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً (خرداد ۱۴۰۴)
- (۲) هَذِهِ مَطَاعِمٌ زَمِيلَى لَهَا غِذَاءٌ أَفْضَلُ (خرداد ۱۴۰۴)
- (۳) شَجَرَةُ السَّيْكُويا مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ (خرداد ۱۴۰۳)
- (۴) لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا (خرداد ۱۴۰۳)
- (۵) ذَلِكَ مَتَجَرُّ صَدِيقِي (خرداد ۱۴۰۳)
- (۶) ذَهَبْنَا فِي الْأَسْبُوعِ الْمَاضِي إِلَى الْمَعْبَدِ كُرْدُكُلًا فِي مُحَافَظَةِ مازندران بِالسَّيَّارَةِ (هماهنگ کشوری صبح خرداد ۱۴۰۲)
- (۷) نَظَّفَ الطُّلَّابُ صُفَّهَهم فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً (هماهنگ کشوری عصر خرداد ۱۴۰۲)
- (۸) اتَّقُوا مَوَاضِعَ التَّهْمِ (هماهنگ کشوری شهریور ۱۴۰۲)
- (۹) قَدَرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ (هماهنگ کشوری شهریور ۱۴۰۲ / شبّه نهایی نوبت صبح ۱۴۰۳)
- (۱۰) شَجَرَةُ الْبَلُوطِ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ (شبّه نهایی نوبت صبح ۱۴۰۳)
- (۱۱) يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُم (شبّه نهایی نوبت صبح ۱۴۰۳)
- (۱۲) يَضُرُّ الْأَوْلَادُ الْمُشَاغِبُونَ النِّظْمَ (شبّه نهایی نوبت عصر ۱۴۰۳)
- (۱۳) كُنَّا نُشَاهِدُ مَبَارَاةَ كُرَةِ الْقَدَمِ فِي بَعْضِ الْمَلَاعِبِ (شبّه نهایی نوبت عصر ۱۴۰۳)
- (۱۴) الْأَجْرُ مَا يَعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ مُؤَطَّفٍ أَوْ غَيْرِهِ (شبّه نهایی نوبت عصر ۱۴۰۳)

- (١٥) قد يكون بين الناس من هو أحسن منّا
- (١٦) اتّقوا الله إنّ الله تَوَّابٌ رَحِيمٌ
- (١٧) تَعَالَى نَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ كُرَّةِ الْقَدَمِ
- (١٨) فِي مَدْرَسَتِنَا مُعَلِّمٌ حَازِقٌ وَهُوَ رَشَّامٌ مُجَرَّبٌ
- (١٩) رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ . ليلة القدر خير من ألف الشهر
- (٢٠) الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس
- (٢١) أكرم الناس في الحياة أتقاكم . تَنَعَّدُ نُهَاقَ الْمَدِينَةِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ
- (٢٢) خير المدرسة للطلاب مدرسة قريبة لبيبتهم
- (٢٣) يَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ وَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . فانزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين . كانت مكتبة جندى سابور في العالم القديم
- (٢٤) ذلك الجبل المرتفع أعلى الجبال في المنطقة
- (٢٥) سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجَرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ
- (٢٦) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ
- (٢٧) أَرَادَ الْمُشْتَرَى مِنَ الْبَائِعِ التَّخْفِيفَ الْكَثِيرَ

پاسخ نمونه سوال درس ۱ :

- (۱) غَفَّار : اسم مبالغه (۲) مطاعِم : اسم مکان / أَفْضَل : اسم تفضیل (۳) أَطْوَل : اسم تفضیل
- (۴) الْمُتَكَلِّم : اسم فاعل (۵) مَتَجَرَّز : اسم مکان (۶) الْمَعْبَد : اسم مکان / السَّيَّارَة : اسم مبالغه
- (۷) الطُّلَاب : اسم فاعل / الْمَدْرَسَة : اسم مکان (۸) مَوَاضِع : اسم مکان (۹) أَقْوَى : اسم تفضیل
- (۱۰) الْمُعَمَّرَة : اسم مفعول (۱۱) الْمُتَفَرِّجُونَ : اسم فاعل
- (۱۲) الْمُشَاغِبُونَ : اسم فاعل (۱۳) الْمَلَاعِب : اسم مکان (۱۴) مُقَابِل : اسم فاعل / الْمُؤَطَّف : اسم مفعول
- (۱۵) أَحْسَن : اسم تفضیل (۱۶) تَوَّاب : اسم مبالغه (۱۷) الْمَلْعَب : اسم مکان
- (۱۸) مَدْرَسَة : اسم مکان / مُعَلِّم : اسم فاعل / حَاذِق : اسم فاعل / رَسَّام : اسم مبالغه / مُجَرَّب : اسم مفعول
- (۱۹) خَيْر : اسم تفضیل / الرَّاحِمِينَ : اسم فاعل (۲۰) أَهَم : اسم تفضیل
- (۲۱) اتقى : اسم تفضیل / الْمُحَدِّد : اسم مفعول (دقت کنید تو این عبارت «اکثر» فعل ماضی از باب افعال هست و اسم تفضیل نیست . اگه اسم میشد چون اول عبارت اومده باید آخرش ۱۰ میداشت که خب نداره)
- (۲۲) خَيْر : اسم تفضیل / الْمَدْرَسَة : اسم مکان / الطُّلَاب : اسم فاعل (۲۳) عَلَّام : اسم مبالغه / غَافِر : اسم فاعل / خیر : اسم تفضیل / الْغَافِرِينَ : اسم فاعل / الْمُؤْمِنِينَ : اسم فاعل / مَكْتَبَة : اسم مکان
- (۲۴) الْمُرتَفَع : اسم مفعول / أَعْلَى : اسم تفضیل / الْمَنْطَقَة : اسم مکان (۲۵) الْمُفَسِّرِينَ : اسم فاعل
- (۲۶) شَرُّ : اسم تفضیل (۲۷) الْمُشْتَرَى : اسم فاعل (هر اسمی که اولش مُ باشه و دومین یا سومین حرف اصلیش ی باشه میشه اسم فاعل مثل : مُجَرِّی / الْبَائِع : اسم فاعل

درس ۲ : ساختار شرطیه :

موضوع ۱ : شناخت ارکان جمله شرطیه :

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

إِنْ تُجَالِسُوا الصَّالِحِينَ تَوْفَّقُوا فِي الْحَيَاةِ

مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ

ساختار شرطیه :

جواب شرط

+

فعل شرط

+

ادات شرط

جواب شرط تکمیل کننده معنی جمله هست

هم میتونه به صورت فعل بیاد : اگه ماضی باشه ظاهرش تغییر نمیکنه ولی اگه مضارع باشه ظاهر تغییر میکنه

هم میتونه جمله اسمیه باشه :

فَ + مبتدا + خبر : مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

جواب شرط غالباً به صورت مضارع اخباری ترجمه میشه.

همیپیششه بلافاصله بعد ادات شرط میاد

هم میتونه ماضی باشه هم مضارع اگه ماضی باشه ظاهرش تغییر نمیکنه و فقط معنی شرطیه (مثال ۳ بالا)

اگه مضارع باشه هم ظاهر تغییر میکنه هم معنی (مثال ۱ و ۲ بالا)

غالباً به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه

وقتی میگم ظاهر تغییر میکنه یعنی مجزوم میشه

شامل :

مَنْ : هرکس

مَا : هر چه

إِنْ : اگر

إِذَا : هرگاه

مَنْ ، مَا و إِنْ هم ظاهر فعل رو تغییر میدن هم معنی اون رو

اذا تاثیری روی ظاهر فعل نداره و فقط معنی رو شرطی میکنه

دقت : اگه قرار باشه جواب شرط یه جمله اسمیه باشه حتماً باید این ترکیب رو ببینیم :

ادات شرط + فعل شرط + فَ + مبتدا + خبر (کل جمله اسمیه میشه جواب شرط)

دقت : بازم تاکید میکنم اگه فعل ماضی به عنوان فعل شرط یا جواب شرط استفاده بشه هیییییچ تغییری تو ظاهرش نمیده

دقت : رابطه دو فعل تو ساختار شرطیه نباید با « و ، ثُمَّ ، حَتَّى ، إِلَّا ، .. » قطع بشه . یعنی بین فعل شرط و جوابش نباید اینا بیان.

موضوع ۲ : ترجمه جمله شرطیه :

ما تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْمَلَهُ اللَّهُ

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ أَقْبَلَ عَلَيْهِ أَكْثَرَ.

تو حالت کلی روال بر اینکه ما **فعل شرط رو به صورت مضارع التزامی** معنی کنیم و **جوابشو به صورت مضارع اخباری** تحتنتی اگه ماضی باشن :

مثال ۱ : مَنْ يَذْهَبُ ، يَنْجِحُ : هرکس برود ، موفق میشود

مثال ۲ : مَنْ صَبَرَ ، ظَفَرَ : هر کس صبر کند ، پیروز میشود (الان تو این مثال هم فعل شرط هم جواب شرط ماضیه ولی به صورت مضارع ترجمه میشه.)

مثال ۳ : مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ : هرکس بسیار تلاش کند به هدفش میرسد

حالا تو کتابتون اومده گفته اگه **فعل شرط و جواب شرط هردوتاش ماضی باشن** میتونیم به صورت ماضی ساده هم ترجمه کنیم : مَنْ صَبَرَ ، ظَفَرَ : هرکس صبر کرد ، پیروز شد

حالا من توصیه اینکه شما زیاد به این توصیه کتاب توجه نکنین و همون فرمول اصلی ترجمه رو ببرین جلو

نمونه سوال درس ۲ :

الف) در عبارت های زیر ادات شرط ، فعل شرط و جواب شرطو پیدا کنین :

(۱) إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

(۲) عَلَيْكَ أَنْ تَعْلَمَ الصَّبْرَ أَنَّ نِعْمَةَ غَنِيَّةٍ وَ إِنْ صَبَرْتَ ، حَصَلَتْ عَلَى النِّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ

(۳) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْمَلُهُ اللَّهُ

(۴) مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ

(۵) مَا تَنْفَقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

(۶) إِذَا تَفَكَّرْتَ فِي أَعْمَالِكَ مَا وَقَعْتَ فِي الْغَفْلَةِ

(۷) إِنْ الصَّلَاةَ أَحْسَنَ الْأَعْمَالِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ أَقْبَلَ عَلَيْهِ أَكْثَرَ

(۸) مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

۹) إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فِرْقَانًا

۱۰) إِنْ تُطَالِغْ كُتِبَ عَلَيْكَ تُسَاعِدُكَ فِي الْإِمْتِحَانِ

ب) گزینه درست رو انتخاب کنین :

۱) إِنْ..... کتاب مُنیة المُرید یُسَاعِدُکمْ عَلٰی کِتَابَةِ إِنْشَائِکُمْ (تُطَالِغْ - تُطَالِعُوا - تُطَالِعَا)

۲) إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ لَكُمْ فِرْقَانًا (یَجْعَلْ - یَجْعَلُ - تَجْعَلْ)

۳) إِنْ اللَّهُ یَنْصُرْکُمْ (تَنْصُرُوا - تَنْصُرُونَ)

۴) إِنْ دروسکَ جیداً تَنْجُحُ فِی الْإِمْتِحَانَاتِ (تُطَالِغْ - تُطَالِعْ - يُطَالِغْ)

ج) موارد خواسته شده رو مشخص کنین :

۱) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ (فعل شرط) (خرداد ۱۴۰۴)

۲) مَنْ لَا یَسْتَمِعْ إِلَى الدَّرْسِ جیداً یَرْسُبْ فِی الْأَمْتِحَانِ (ترجمه جواب شرط) (خرداد ۱۴۰۴)

۳) إِنْ هَرَبْتُمْ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُوَاجِهُونَ صَعُوبَاتٍ کَثِیرَةً (فعل شرط و ترجمش) (سبیه نهایی ۱۴۰۳)

۴) مَنْ عَلَّمَ عِلْماً فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ (جواب شرط - فعل شرط و ترجمش)

۵) إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءً كَ أَمَامَ الطَّلَّابِ فَسَوْفَ یَتَنَبَّهَ زَمِیلُكَ (فعل شرط و ترجمش)

۶) وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (جواب شرط و جوابش)

۷) إِنْ تَزْرَعُوا خَیْراً تَحْصِدُوا سُرُوراً (ترجمه فعل شرط)

د) در جمله های زیر فعل شرط و جواب شرط را ترجمه کنین :

۱) إِنْ یَتَّبِعَنَّ كِذْبَكَ تَفْشِلُ فِی حَیَاتِكَ (خرداد ۱۴۰۳)

۲) وَ مَا تَنْفَقُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ (سبیه نهایی ۱۴۰۳)

۳) مَنْ ابْتَعَدَ نَفْسَهُ عَنْ مَوَاضِعِ التَّهْمِ فَهُوَ فَائِزٌ

۴) مَا تَفْعَلُ مِنَ الْخَیْرَاتِ یَعْلَمُهُ اللَّهُ

۵) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ

۶) إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءً كَ فَسَوْفَ یَتَنَبَّهُ زَمِیلُكَ

پاسخ نمونه سوال درس ۲ :

(الف)

- (۱) اِنْ : ادات شرط / تَنْصُرُوا : فعل شرط / يَنْصُرُ : جواب شرط (توجه کنین اگه با ترکیب : ادات شرط + فعل شرط + ... فعل ۱ + و + فعل ۲ طرف باشیم مثل عبارت سوال ؛ فعل ۱ جواب شرط میشه)
- (۲) اِنْ : ادات شرط / صَبِرْتَ : فعل شرط / حَصَلْتُ : جواب شرط
- (۳) مَا : ادات شرط / تَفْعَلُوا : فعل شرط / يَعْلَمُ : جواب شرط
- (۴) مَنْ : ادات شرط / سَأَلَ : فعل شرط / أَجَابَ : جواب شرط
- (۵) مَا : ادات شرط / تَنْفَقُوا : فعل شرط / فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ : جواب شرط
- (۶) إِذَا : ادات شرط / تَفَكَّرْتَ : فعل شرط / مَا وَقَعْتَ : جواب شرط (ما تو اینجا «ما» ی نفی هست)
- (۷) مَنْ : ادات شرط / أَرَادَ : فعل شرط / أَقْبَلَ : جواب شرط (دقت کنین که «إِنَّ» یا «أَنَّ» یا «أَنْ» رو با «إِنْ» اشتباه نگیرین)
- (۸) مَنْ : ادات شرط / يَتَوَكَّلُ : فعل شرط / فَهُوَ حَسْبُهُ : جواب شرط
- (۹) اِنْ : ادات شرط / تَتَّقُوا : فعل شرط / يَجْعَلُ : جواب شرط
- (۱۰) اِنْ : ادات شرط / تُطَالَعُ : فعل شرط / تُسَاعِدُ : جواب شرط

(ب)

- (۱) چون جمله داره درباره جمع مذکر مخاطب حرف میزنه (از ضمیر «کم» توی یساعد میتونیم بفهمیم) پس فعل انتخابی هم باید جمع مذکر مخاطب باشه . پس جواب میشه : تُطَالَعُوا
- (۲) خب جمله شرطیه هست و ما باید جواب شرط انتخاب کنیم . میدونیم که اگه جواب شرط فعل مضارع باشه آخرش مجزوم میشه یعنی ساکن میشه یا نون آخرش حذف میشه . پس جواب میشه : يَجْعَلُ
- (۳) ساختار شرطیه هست و بعد ادات شرط بلافاصله فعل شرط میاد . اگه فعل شرط مضارع باشه آخرش مجزوم میشه پس جواب میشه : تَنْصُرُوا
- (۴) فعل شرط نیاز داریم و باید آخرش مجزوم باشه . از روی ضمیر «ک» و فعل دوم جمله میفهمیم داره درباره فعل مفرد مذکر مخاطب حرف میشه پس جواب میشه : تُطَالَعُ

(ج)

- (۱) تَفْعَلُوا : فعل شرط (۲) ترجمه جواب شرط : مردود میشود
- (۳) هربتم : فرار کنین (دقت کنین با اینکه فعل ماضی هست چون تو ساختار شرطیه اومده و فعل شرط هست به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه)

۴) جواب شرط : فله أجز / فعل شرط : عَلَّمَ : بداند ، بیاموزد (۵) فعل شرط : تَقْرَأُ ؛ بخوانی

۶) جواب شرط : قالوا ؛ میگویند (چون جواب شرطه مضارع اخباری ترجمه میشه . البته چون فعل شرط و جواب شرط هر دو ماضی هستن میتونیم به صورت ماضی هم ترجمه کنیم یعنی «گفتند» ولی بهتره از اصل اول پیروی کنیم)
۷) فعل شرط : تزرعوا ؛ بکارید

(د)

۱) آشکار بشود / شکست میخوری ۲) انفاق کنید / خدا به آن آگاه است ۳) دور کند / برنده است

۴) انجام بدهی / میداند ۵) بد شود / عذاب میدهد یا بد شد / عذاب داد ۶) بخوانی / آگاه خواهد شد

عَيْن اسم نكره : نور / مُحَمَّد / سعيد

کنین به مثال بالای گادر . تو اون مثال چون محمد و سعید اسم خاص هستن با اینکه با تنوین اومدن ولی بازم معرفه حساب میشن.

كان في الحصّة الأولى طالبٌ راسِبٌ . الطالبُ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلَفَهُ

دانش آموزی / باهوش / دانش آموز باهوشی / یک دانش آموز باهوش

نمونه سوال درس ۳ :

الف) در عبارت های زیر معرفه و نکره رو پیدا کنین : (تو معرفه ها فقط دنبال اسم خاص یا ال دار باش)

(۱) سافرتُ إلى مازندران لها غاباتٌ جميلةٌ

(۲) قَبْرُ كورشِ يَجْذِبُ سَيَّاحاً مِنْ دُولِ الْعَالَمِ

(۳) جَاهِذَ الْمُقَاتِلُونَ فِي مَعْرَكَةِ الْحَقِّ بِسُرُورٍ وَ شَعْفٍ

(۴) كَانَ مِثْمُ التَّمَارِ جِهَادُهُ عَظِيمٌ

(۵) ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ

ب) بر اساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کنین :

(۱) كَانَ فِي الْحَصَةِ الْأُولَى طَالِبٌ رَاسِبٌ . الطَّالِبُ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ

(۲) الْمَصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ . الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ

(۳) أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا

(۴) عِمَارَةُ خَسْرُو آبَادٍ فِي سَنَدِجٍ يَجْذِبُ سَيَّاحًا

(۵) وَصَلْتُ إِلَى قَرْيَةٍ فِي مُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَانِ

(۶) شَجَرَةُ الْخَبْرِ شَجَرَةٌ أُسْتَوَاتِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزْرِ الْمَحِيطِ الْهَادِي

ج) معرفه یا نکره بودن مواردی که زیرشان خط کشیده شده را مشخص کنین :

شَجَرَةُ الْخَبْرِ شَجَرَةٌ أُسْتَوَاتِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزْرِ الْمَحِيطِ الْهَادِي ، تُحْمِلُ أُثْمَارًا فِي نَهَائِيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخَبْرِ . يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأُثْمَارِ . أَنْظِرْ ؛ هَجْمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ . مَعْبِدٌ كَرْدِكَلَا فِي مُحَافَظَةِ مَازَنْدَرَانِ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ

د) بر اساس قواعد معرفه و نکره ، ترجمه درست را مشخص کنین :

(الف) گردشگری به روستا رسید (ب) گردشگر به روستایی رسید (۱) وَصَلَتِ السَّائِحَةُ إِلَى قَرْيَةٍ

(الف) تاریخ زرین (ب) تاریخی زرین (۲) التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ

(الف) مقاله را در مجله خواندم (ب) مقاله ای را در مجله ای خواندم (۳) قَرَأْتُ مَقَالََةً فِي مَجَلَّةٍ

(الف) کتاب دوست با اخلاص است (ب) کتاب دوستی با اخلاص است (۴) الْكِتَابُ صَدِيقٌ مُخْلِصٌ

(الف) مادر بزرگم دستبندی کهنه دارد (ب) مادر بزرگم دستبند کهنه دارد (۵) لَجَدَتِي سَوَازٌ عَتِيقٌ

پاسخ نمونه سوال درس ۳ :

(الف)

- (۱) مازندران : معرفه به علم / غابات و جملیه : نکره (۲) کوروش : معرف به علم / العالم : معرفه به ال / سیاحاً : نکره
(۳) المقاتلون و الحق : معرفه به ال / سرور و شعف : نکره (۴) میثم : معرفه به علم / التمار : معرفه به ال / عظیم : نکره
(۵) الطبیعة : معرفه به ال / حقیقه و واحده : نکره / الله : معرفه به ال

(ب)

- (۱) در زنگ اول **دانش آموزی مردود** (یا دانش آموز مردودی) بود . این دانش آموز با کسی که پشت سرش بود صحبت میکرد
(۲) چراغ در **شیشه ای** است . آن **شیشه** گویی **ستاره ای درخشان** (یا ستاره درخشانی) است
(۳) **پیامبری** را به سوی فرعون فرستادیم
(۴) عمارت خسرو آباد در سنج **گردشگرانی** از شهر های ایران جذب میکند
(۵) به **روستایی** در استان مازندران رسیدیم
(۶) درخت نان درختی استوائی است که در جزیره های اقیانوس آرام رشد میکند

(ج)

معرفه / نکره / معرفه / نکره / معرفه / معرفه / معرفه / نکره / نکره / معرفه / معرفه / معرفه

(د)

ب(۱) ۲(الف) ۳(ب) ۴(ب) ۵(الف)

درس ۴ : جمله وصفیه :

موضوع ۱ : شناسایی جمله وصفیه :

أفتش عن كتابٍ يساعدني في الترجمة.

وقف رجلٌ جميلٌ المظهر أمام شقراط يفتخر بملابسه.

اینم یه نوع صفته ولی به جای اینکه اسم + اسم باشه ؛ اسم + فعله.

خب ساختار جمله وصفیه در حد امتحان نهایی اینجوریه :

(۱) فعل ۱ + اسم نکره + فعل ۲ : که این فعل ۲ میشه جمله وصفیه

مثال : أفتش عن كتابٍ **يساعدني** في الترجمة

(۲) اسم نکره (مبتدا) + فعل + بقیه جمله : **عالمٌ يُنتَفِعُ** من علمه خيرٌ

کلا برای شناسایی جمله وصفیه باید یه اسم نکره پیدا کنین که بعدش فعل اومده باشه.

دقت : اگه بین اسم نکره و فعل کلماتی مثل « و ، ف ثم ، لکن ، .. » بیان دیگه جمله وصفیه نداریم

مثال : جاء تلميذٌ و تكلمَ مع صديقه

دقت : اومدن حروف ناصبه به جز لن (یعنی آن ، گی ، یکی ، حتی ، ل) بین اسم نکره و فعل مشکلی نداره و

بازم وصفیه میشه : جاء تلميذٌ لِيَشْتَرِكَ في الحفلة

موضوع ۲ : ترجمه جمله وصفیه (ترجم جمله بعد النكرة)

وقف رجلٌ جميلٌ المظهر أمام شقراط يفتخر بملابسه

ماضی + اسم نکره + مضارع : فعل دوم به صورت ماضی استمراری ترجمه میشه :

ذهبتُ عند معلّمٍ **يُدرّسُ** العربية : نزد معلمی رفتم **که** عربی تدریس میکرد

ماضی + اسم نکره + ماضی : فعل دوم به صورت ماضی بعید ترجمه میشه :

تذكّرتُ لحظةً **ذهبتُ** على : لحظه ای را **که** علی رفته بود به یاد آوردم

مضارع + اسم نکره + مضارع : فعل دوم به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه :

أجالسُ شخصاً **يُفيدني** : با شخصی همنشینی میکنم **که** به من فایده برساند

نمونه سوال درس ۴ :

الف) در عبارت های زیر جمله وصفیه رو پیدا کرده و اونو ترجمه کنین :

۱) شاهدت طالباً فی الصف یکتبُ تمارین الدّرس (خرداد ۱۴۰۴)

۲) الهی أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ (خرداد ۱۴۰۳)

۳) أَقْتَسْتُ عَنْ مَعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ (هماهنگ کشوری صبح خرداد ۱۴۰۲)

۴) وَجَدْتُ بَرْنَامَجاً يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ (هماهنگ کشوری عصر خرداد ۱۴۰۲ / شبّه نهایی نوبت عصر ۱۴۰۳)

۵) رَأَيْتُ وَلِداً يَمْشِي بِسُرْعَةٍ (هماهنگ کشوری شهریور ۱۴۰۲)

۶) يُعْجِبُنَا عَيْدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ (شبّه نهایی نوبت صبح ۱۴۰۳)

۷) اَللّٰهُمَّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تُشَبِّغُ (شبّه نهایی نوبت عصر ۱۴۰۳)

۸) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ

۹) اَللّٰهُمَّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

۱۰) وَقَفَ رَجُلٌ جَمِيلٌ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطٍ يَفْتَحِرُ بِمَلَابِسَةٍ

۱۱) تَبَحَثُ الْمُدِيرَةُ عَنْ طَالِبٍ يُشَارِكُ فِي أَعْمَالِ الْخَيْرِ

۱۲) أَكَلْتُ أَثْمَاراً فِي الْبَرَزِيلِ تَنُمُو عَلَى جَذَعِ الشَّجَرَةِ

۱۳) هُوَ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلاً مُطَهَّراً

۱۴) شَاهِدُنَا سَنَجَاباً يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ

۱۵) إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ

۱۶) اشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَاباً قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ

۱۷) اَلْهٰی اَعُوذُ بِكَ مِنْ دَعَاءٍ لَا يُسْمَعُ

۱۸) الْعِلْمُ نُورٌ وَ ضِيَاءٌ يَقْذِفُهُ اللهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ

۱۹) سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي

(۲۰) عَصَفَتْ رِيَا حَ شَدِيدَةً خَزَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ

پاسخ نمونه سوال درس ۴ :

- (۱) جمله وصفیه : يَكْتُبُ / ترجمه : دانش آموزی را در کلاس دیدم که تمرین های درس را مینوشت
- (۲) جمله وصفیه : لَا يَنْفَعُ / ترجمه : خدایا همانا به تو پناه میبرم از علمی که سود نمیرساند
- (۳) جمله وصفیه : يُسَاعِدُنِي / ترجمه : دنبال فرهنگ لغتی میگردم که مرا در فهم متون کمک کند
- (۴) جمله وصفیه : يُسَاعِدُنِي / ترجمه : برنامه ای را یافتم که مرا در یادگیری عربی کمک میکرد
- (۵) جمله وصفیه : يَمْشِي / ترجمه : پسری را دیدم که به سرعت راه میرفت
- (۶) جمله وصفیه : يَفْرَحُ / ترجمه : خوشحال میشوند
- (۷) جمله وصفیه : لَا تَشْبَعُ
- (۸) جمله وصفیه : يُنْقِذُكَ
- (۹) جمله وصفیه : لَا يَخْشَعُ
- (۱۰) جمله وصفیه : يَفْتَحُزُّ
- (۱۱) جمله وصفیه : يُشَارِكُ
- (۱۲) جمله وصفیه : تَنْمُو
- (۱۳) جمله وصفیه : تُفَرِّزُ
- (۱۴) جمله وصفیه : يَقْفِزُ
- (۱۵) جمله وصفیه : لَا تَذَرُكَ
- (۱۶) جمله وصفیه : قَدْ رَأَيْتُهُ
- (۱۷) جمله وصفیه : لَا يُسْمَعُ
- (۱۸) جمله وصفیه : يَقْذِفُهُ
- (۱۹) جمله وصفیه : شَاهِدْتُ
- (۲۰) جمله وصفیه : خَزَبَتْ

درس ۵ و ۶ : اعراب فعل مضارع

موضوع ۱ : مشخص کردن نوع فعل :

تَبَيَّنَ نوع الأفعال المضارعة :

نطلب من الطلاب أن يجلسوا في قاعة الإمتحان.

فاصبروا حتى يحكم الله بيننا.

لكيلا تحزنوا على ما فاتكم.

الأمهات لن يجلسن هناك

فليُنظر الإنسان مما خُلق.

کلاس ه نوع فعل مضارع داریم :

(۱) **فعل مضارع مرفوع** : فعل مضارع در حالت عادی همیشه مرفوعه . حالا این مرفوع بودن رو به دو صورت نشون میده :

(۱) با َ : يَذْهَبُ / تَذْهَبُ / نَذْهَبُ / .. (۲) با «ن» : يَذْهَبَانِ / يَذْهَبُونَ / تَذْهَبِينَ / ...

(۲) **فعل مضارع منصوب** : اگه ادات ناصبه رو قبل فعل مضارع بیاریم (ادات ناصبه + فعل مضارع) همیشه مضارع منصوب

ادات ناصبه شامل : أَنْ / لَنْ / كَيْ / لِيْ / حَتَّى / لِ

تاثیر ادات ناصبه اینکه فعل مضارع رو منصوب میکنه . یعنی :

(۱) تبدیل به َ : يَذْهَبُ / تَذْهَبُ / نَذْهَبُ / لَنْ نَذْهَبُ

(۲) «ن» آخر فعل حذف میشه : لَنْ يَجْلِسُوا / كَيْ يَذْهَبَا / ...

(۳) تو فعل های «يَذْهَبْنَ» و «تَذْهَبْنَ» بدون تغییر میشه : لَنْ يَجْلِسْنَ / أَنْ تَكْتُبْنَ / ...

ساختار شرطیه : تو ساختار شرطیه هم فعل شرط و هم جوابش مجزوم.

فعل امر مخاطب و فعل نهی (استارتر)

لَمْ

لَمَّا

(۳) **فعل مضارع مجزوم**

ادات جازمه لای نهی + فعل مضارع = فعل مضارع مجزوم

لِ امر

روش تشخیص تو امتحان :

اگه یه فعل مضارع عادی دیدی (یعنی آخرش ۰ یا ن باشه) : مضارع مرفوع

اگه یه فعل مضارع دیدی که آخرش ۰ باشه یا قبش ادات ناصبه اومده باشه : مضارع منصوب

اگه یه فعل مضارع دیدی که آخرش ۰ باشه یا تو یکی از ساختارهای سه گانه بالا باشه : مضارع مجزوم

اگه این حالتو دیدی شک نکن فعلت مضارع مجزومه : **فعل مضارع + اسم ال دار**

اگه این حالتو دیدی نوع « ل » جازمه هست : **ف + ل + فعل مضارع**

دقت : « لَکَیْلا » همون « لَکی + لا » هست و بعدش همیشه فعل مضارع منصوب با معنی منفی میاد

دقت : « أَلَا » همون « اُنْ + لا » هست و بعدش همیشه فعل مضارع منصوب با معنی منفی میاد

دقت : « لَمَّا » هم قبل فعل ماضی میاد هم مضارع . اگه قبل مضارع بیاد همیشه ادات جازمه و معنی و ظاهر

فعل رو هم عوض میکنه ولی اگه قبل ماضی بیاد دیگه ادات جازمه نیست و تأثیری روی فعل نداره

کلا یادتون باشه ادات ناصبه و جازمه فقط و فقط قبل فعل مضارع کاربرد دارن.

دقت : « لَمْ » رو با « لِمَ » اشتباه نگیرین . دنیاشونم باهم فرق میکنه

موضوع ۲ : تأثیر ترجمه ای ادات ناصبه و جازمه :

إِنتَخبَ الصَّحیحَ / ترجم الأفعال

لَمْ یَتَعَلَّمْ : نمی آموزد - نیاموخته است

لِیُوَلِّفَ : باید تألیف کند - تا تألیف کند

لَا یَهْرَبْ : قرار نمی کند - نباید فرار کند

لَمْ + فعل مضارع : ترجمه به صورت ماضی منفی ساده : لَمْ یَذْهَبْ : نرفت

لَمَّا + فعل مضارع : ترجمه به صورت ماضی نقلی منفی : لَمَّا یَذْهَبْ : هنوز نرفته است

ادات ناصبه (به جز لَنْ) + مضارع : ترجمه به صورت مضارع التزامی : اَنْ یَذْهَبْ : که برود ، تا اینکه برود

لَنْ + فعل مضارع : ترجمه به صورت آینده منفی : لَنْ یَذْهَبْ : نخواهد رفت

لِیَأْمُرَ + فعل مضارع : ترجمه به صورت : باید + مضارع التزامی : لِیَذْهَبْ : باید برود

لَا یَنْهَى + فعل مضارع : ترجمه به صورت امر منفی

فعل امر مخاطب : فقط از فعل های مضارع مخاطب ساخته میشه (استارتر) : عَلَّمَ / اجْتَهِدْ
فعل امر
فعل امر غائب : ل جازمه + فعل مضارع غائب : لِيَذْهَبْ : باید برود.

ل + اسم / مصدر / ضمیر : ساختار جار و مجرور
لام جازه
ل + اسم ال دار : لِلْ : لِلْمُعَلِّمِ : ل + المعلم
انواع ل
لام ناصبه
کاربرد : برای بیان علت انجام کار استفاده میشه.
ترجمه: تا اینکه ، برای اینکه ، که + فعل مضارع التزامی
تاثیر روی ظاهر فعل : اونو منصوب میکنه
ساختار : فعل ۱ + + ل + فعل ۲ : ذهبنا مع أصدقائنا **لِنَشَارِكُ** في حفلة
کاربرد : لام امری هست و برای امر غائب استفاده میشه
لام جازمه
ترجمه : باید + مضارع التزامی
تاثیر روی ظاهر فعل : اونو مجزوم میکنه
شناخت : معمولا اول جمله میاد

اگه تو جمله فقط یه فعل باشه و اونم با ل اومده باشه : لام جازمه

مثال : **ليعمد** الطلاب على أنفسهم في المجالات

ترکیب : ف + ل + فعل : صد در صد لام جازمه : فَلْيَنْتَفِعْ

نمونه سوال درس ۵ و ۶:

الف) ترجمه درست را انتخاب کنید :

۱) أُحِبُّ أَنْ أُكْتُبَ إنشاءً جميلاً (خرداد ۱۴۰۴)

ج) که بنویسم

ب) تا بنویسم

الف) اگر بنویسم

۲) لِيَصِفَ شُرَطِي الْمُرُورِ لِتَوْقُفِ السيارات (خرداد ۱۴۰۴)

ج) تا سوت بزند

ب) سوت نمیزند

الف) باید سوت بزند

- (۳) وَاَفَقَّ الْأَسْتَاذُ أَنْ يُؤَجِّلَ الامتحان (خرداد ۱۴۰۳)
 الف) که به تأخیر اندازد (ب) باید به تأخیر بیاندازد (ج) به تأخیر خواهد انداخت
- (۴) لَنْ تُوَاجِهَ المشاكل (خرداد ۱۴۰۳)
 الف) رو به رو نمیشوی (ب) رو به رو نخواهی شد (ج) تا رو به رو نشوی
- (۵) لِنَسْتَمِعْ إِلَى كَلَامِ الْحَقِّ (خرداد ۱۴۰۳)
 الف) باید گوش دهیم (ب) تا گوش بدهیم (ج) گوش خواهیم داد
- (۶) أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ (خرداد ۱۴۰۳ - خرداد ۱۴۰۲ عصر)
 الف) نمی دانستند (ب) نمی دانند (ج) ندانسته اند
- (۷) عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)
 الف) برای اینکه توکل کنند (ب) باید توکل کنند (ج) توکل میکنند
- (۸) هُمْ لَا يُسَافِرُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)
 الف) سفر نمیکنند (ب) نباید سفر کنند (ج) سفر نکرده اند
- (۹) فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
 الف) تا داوری کند (ب) باید داوری کند (ج) داوری خواهد کرد
- (۱۰) لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
 الف) ستم نکن (ب) ستم نکنید (ج) ستم نمیکنی
- (۱۱) مَا يَرِيدُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ (شهریور ۱۴۰۲)
 الف) باید قرار دهد (ب) قرار میدهد (ج) تا قرار دهد
- (۱۲) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا (شهریور ۱۴۰۲)
 الف) اندوهگین نشد (ب) اندوهگین نباش (ج) اندوهگین نمیشود

(ب) گزینه مناسب را انتخاب کنید :

- (۱) عَيْنٌ فَعَلًا يَعَادِلُ الْمَاضِيَ الْمُنْفَى فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)
 الف) لَا تَحْزَنْ (ب) لَمْ يَذْهَبُوا (ج) لَا يُسَافِرُ (د) لِيَعْلَمُوا

(۲) عين فعلاً يعادلُ المستقبل المنفى فى اللغة الفارسية (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)

(الف) حتى يَحْكَمْ (ب) كى يَذْهَبَ (ج) لَنْ تَنَالُوا (د) أَنْ يُحَاوِلُوا

(۳) عين فعلاً يعادلُ المستقبل المنفى فى اللغة الفارسية (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)

(الف) لا تَجْلِسُوا (ب) لَنْ يَجْلِسَ (ج) لَيَنْجَلِسَ (د) لَمْ يَجْلِسْ

(۴) عَيْنُ فعلاً يعادلُ الماضى المنفى فى اللغة الفارسية (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)

(الف) لا يُجَادِلُهُمْ (ب) لا تَكْتُبْ (ج) لَمْ تَذْهَبُوا (د) لَيْتَوَكَّلْ

(۵) عَيْنُ فعلاً يعادلُ المضارع الالتزامى فى اللغة الفارسية (شهريور ۱۴۰۲)

(الف) يُنْفِقُ (ب) لَمْ يُنْفِقْ (ج) كى يُنْفِقَ (د) لا يُنْفِقُ

(۶) عَيْنُ فعلاً يعادلُ الماضى المنفى فى اللغة الفارسية (شهريور ۱۴۰۲)

(الف) لا يَجْتَهِدُ (ب) لَيَجْتَهِدُ (ج) لَيَجْتَهِدُ (د) لَمْ يَجْتَهِدْ

(۷) نحنُ فى اليوم الآتى

(الف) لَمْ نُسَافِرْ (ب) لَنْ نُسَافِرْ (ج) أَنْ نُسَافِرْ

(۸) المشاكلُ كثيرةٌ . فَ..... فى الحياة

(الف) لأَحَاوِلَ (ب) لِكى أَحَاوِلَ (ج) لأَحَاوِلَ

(۹) أَطْلُبُ مِنْكَ واجباتك

(الف) لَمْ تَكْتُبْ (ب) مَا كُتِبَتْ (ج) أَنْ تَكْتُبَ

(۱۰) هو إلى الملعب أمس (شهريور ۱۴۰۲)

(الف) لَنْ يَرْجِعَ (ب) مَا رَجَعَ (ج) لا يَرْجِعُ

(۱۱) هو إلى الملعب غداً (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)

(الف) مَا رَجَعَ (ب) لَمْ يَرْجِعْ (ج) لَنْ يَرْجِعَ

(۱۲) نحنُ فى الشهر الماضى (خرداد ۱۴۰۴)

(الف) لَمْ نُسَافِرْ (ب) لَنْ نُسَافِرْ (ج) لِكى نُسَافِرْ

(۱۳) الْمَزَارِعُ شجرةً فى السنة القادمة (خرداد ۱۴۰۴)

(الف) لَنْ تَقْطَعُ (ب) لَمْ يَقْطَعْ (ج) لَنْ يَقْطَعُ

ج) فعل های آمده را ترجمه کنین :

خرداد ۱۴۰۴ :

۱) الفلاح لا یستخِذُ شجرةَ النفطِ ۲) لِیُحْسِنَ : ۳) الظالمون لا یُحْسِنونَ الناس :

۴) أَنْتَ لَمْ تَرْجِعْ مِنَ المدرسة : ۵) اصْبِرْ حَتَّى یَرْجِعُوا مِنَ السفر :

خرداد ۱۴۰۳ :

۶) أَنْ تُجَالِسُوا : ۷) لَا یُجَالِسُ : ۸) لَکِ نَسْتَرْجِعُ : ۹) لَا تَسْتَرْجِعِینَ :

شهریور ۱۴۰۲ :

۱۰) لَا تَقُلْ : ۱۱) لَمْ یَنْجُحْ : ۱۲) لَنْ أَکْتُبَ :

پاسخ نمونه سوال درس ۵ و ۶ :

(الف)

۱) ج : آن جزو ادات ناصبه هست و فعل مضارع بعدش باید به صورت التزامی ترجمه بشه . همین طور خود آن معنی « که ، تا اینکه ، برای اینکه » میده

۲) الف : وقتی « ل + فعل مضارع » میبینی باید نوع « ل » رو مشخص کنی . اینجا چون آخر فعل ساکنه پس « ل » ما از نوع جازمه هست . « ل » جازمه معنی باید میده و فعل مضارع بعدش به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه

۳) الف : آن جزو ادات ناصبه هست و فعل مضارع بعدش باید به صورت التزامی ترجمه بشه . همین طور خود آن معنی « که ، تا اینکه ، برای اینکه » میده

۴) ب : وقتی « لَنْ + مضارع » میشه ؛ فعل مضارع به صورت آینده منفی ترجمه میشه . دقت کنین که لن جزو ادات ناصبه هست و تنها ادات ناصبه ای هست که فعل مضارع رو به صورت التزامی در نیاره.

۵) الف : وقتی « ل + فعل مضارع » میبینی باید نوع « ل » رو مشخص کنی . اینجا چون آخر فعل ساکنه (لِیَسْتَمِعْ) پس « ل » ما از نوع جازمه هست . « ل » جازمه معنی باید میده و فعل مضارع بعدش به صورت مضارع التزامی ترجمه میشه

۶) الف : لم جزو ادات جازمه هست و وقتی با فعل مضارع میاد ، فعل مضارع به صورت ماضی منفی ساده ترجمه میشه.

(۷) ب : هر وقت « ف + ل + فعل مضارع » دیدین ، « ل » از نوع جازمه هست . ترجمه « ل » جازمه رو هم که تو سوال ۳ گفتم

(۸) ب : وقتی « لا + فعل مضارع مجزوم » میشه (فعلی که نون آخرش حذف شده یا ساکنه) ، لای نهی هست .

(۹) الف : « حتی » جزو ادات ناصبه هست و فعل مضارع بعدش باید به صورت التزامی ترجمه بشه . همین طور خود « حتی » معنی « که ، تا اینکه ، برای اینکه » میده

(۱۰) الف : نوع « لا » نهی هست پس گزینه آخر رده . گزینه ۲ هم برای این رده که فعل من مفرده ولی این گزینه جمعه .

(۱۱) ج : وقتی « ل + مضارع منصوب » میشه ، از نوع ناصبه هست . خودش معنی تا اینکه ، که ، برای اینکه میده و فعل بعدش به صورت التزامی ترجمه میشه

(۱۲) ب : نوع لا نهی هست

(ب)

(۱) ب : لم + مضارع = ما + ماضی = ماضی منفی ساده

(۲) ج : لن + مضارع = آینده منفی (۳) ب (۴) ج

(۵) ج : بعد ادات ناصبه (به جز لن) فعل به صورت التزامی میاد . (۶) د

(۷) ب : از کلمه « الاتی » میفهمیم که درباره آینده حرف میزنه بنابراین باید فعلی رو انتخاب کنیم که به زمان آینده مربوطه

(۸) الف : وقتی گزینه ب و ج هردوتاش به یه صورت ترجمه میشه پس جواب گزینه ۱ عه دیگ .

(۹) ج : به ترجمه دقت کن : ازت میخوام تکالیفت را . خب ازش چی میخواد؟ در ضمن ترجمه گزینه الف و ب هم یکیه پس جواب نیستن

(۱۰) ب : از کلمه « أمس » میفهمیم داره راجب گذشته حرف میزنه حالا تو بگو کدوم فعل برا گذشتست؟

(۱۱) ج : « غدا » اشاره به آینده داره داره . (۱۲) الف (۱۳) ج

(ج)

(۱) نباید به کار بگیرد (۲) تا / برای اینکه نیکی کند (۳) نیکی نمیکنند (۴) برنگشتی

(۵) تا برگرداند (۶) که همنشینی کنید (۷) نباید همنشینی کند (۸) تا پس بگیریم

(۹) پس نمیگیری (۱۰) نگو (۱۱) موفق نشد (۷) نخواهم نوشت

درس ۷ : افعال ناقصه :

موضوع ۱ : شناسایی افعال ناقصه (عیّن افعال الناقصة)

أصبحَ التلاميذُ ناجحاً

كانَ يأمرُ أهله بالصلاة و الزكاة

كانَ ، يكونُ ، كُنْ

صارَ ، يصيرُ ، صِرْ : به معنی «شد»

افعال ناقصه

لَيْسَ : به معنی «نیست»

أصبحَ ، يُصبحُ ، أصبحَ : به معنی «شد»

دقت : فعل «لَيْسَ» حالت مضارع و امر نداره و فقط تو حالت ماضی کاربرد داره (لَيْسَ ، لَيسا ، لیسوا ، لیست ، لَسْنَ ، لَسْتُ ،)

دقت : کلمات و حروفی مثل «تَكُونُ» ، «كُونْ» و «كَانَ» فعل ناقصه نیستند.

موضوع ۲ : ترجمه افعال ناقصه :

بود : زمانی که با اسم بیاد : كانَ علی فرحاً : علی شاد بود

است : زمانی که قراره به یه امر ثابت و تغییر ناپذیر اشاره کنه مثل صفات خدا و ویژگی های طبیعت : الله كانَ عليمًا : خداوند بسیار داناست / كان الیل مظلمًا : شب تاریک است.

كانَ **كانَ + فعل مضارع :** ترجمه به صورت ماضی استمراری : علی كانَ يذهبُ : علی میرفت

كانَ + ماضی : ترجمه به صورت ماضی بعید : علی كانَ ذهبَ : علی رفته بود

كانَ + ل یا عند : ترجمه به صورت داشت : كانَ عندی کتاب : یک کتاب داشتم

لمَ + مضارع كانَ (يكون ، ..) : ترجمه به صورت ما + كانَ (ماضی منفی كانَ)

اگه «لَيْسَ + ل یا عند» بشه به صورت نداشتن معنی میشه : لَيْسَ له علم : علمی نداشت (یا ندارد)

جمع بندی زمان ها :

1. ماضی منفی ساده

الف) ما + ماضی : ما رأیتم : ندیدید (ب) لم + مضارع مجزوم: لم یذهب : نرفت

2. ماضی نقلی مثبت:

قد + ماضی : قد خرج: شاد شده است

3. ماضی نقلی منفی:

الف) لمّا + مضارع مجزوم: لمّا یذهب: هنوز نرفته است (ب) ما + قد + ماضی : ما قد رأی : ندیده است

4. ماضی بعید مثبت:

الف) کان + قد + ماضی : کان قد ذهب: رفته بود (ب) کان + ماضی : کان ذهب : رفته بود.

5. ماضی بعید منفی :

الف) ما + کان + ماضی : ما کان ذهب : نرفته بود (ب) کان + ما + ماضی : کان ما ضربت: نزده بودم

6. ماضی استمراری مثبت:

کان + مضارع : کان یذهب : می رفت

7. ماضی استمراری منفی :

الف) ما + کان + مضارع : ما کان یرجع: باز نمی گشت (ب) کان + لا + مضارع : کان لا یضرب : نمیزد

ج) لم + مضارع مجزوم کان : لم یکن یذهب : نمیرفت

8. مضارع اخباری :

فعل مضارع در حالت عادی به صورت مضارع اخباری ترجمه میشود

9. مضارع التزامی:

الف) حروف ناصبه(به جز لن) + مضارع : أن یذهب : که برود (ب) فعل شرط (ج) خبر لیت و لعل اگر

فعل مضارع باشد (د) «ل» جاذمه + مضارع : لتکتب: باید بنویسد

10. آینده : «س» یا «سوف» + مضارع : سوف یذهب: خواهیم رفت

11. آینده منفی : لن + مضارع : لن یذهب : هرگز نخواهد رفت

نمونه سوال درس ۷:

الف) عبارات های زیر را بر اساس قواعد افعال ناقصه معنی کنین :

(۱) أليس الله بأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)

(۲) كَانَ لِي خَاتَمٌ فَضِيَّةٌ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)

(۳) كَانُوا يَكْتُبُونَ رِسَائِلَ (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)

(۴) كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)

(۵) كَانَتْ شَيْمَلٌ قَدْ كَتَبَتْ مَقَالَاتٍ عِلْمِيَّةً (شهریور ۱۴۰۲)

(۶) صَارَ بَابُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقًا (شهریور ۱۴۰۲)

(۷) كَانَ الْمَعْلَمُ يَكْتُبُ عَلَى السَّبُورَةِ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ (خرداد ۱۴۰۳)

(۸) كَانَتْ شَيْمَلٌ قَدْ أَوْضَتْ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُشْكِلُوا فَرِيقًا لِلْحَوَارِ الدِّينِيِّ (خرداد ۱۴۰۳)

ب) ترجمه عبارات های زیر را کامل کنین :

(۱) كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَةِ عَلَى الشَّاطِئِ : کودکان در کنار با توپ (خرداد ۱۴۰۳)

(۲) كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأْثِيرِ : ابن مقفع بزرگی در این تاثیر (خرداد ۱۴۰۲)

(۳) قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ : گفت پروردگارا بی گمان من به تو که از تو چیزی که به آن دانشی

(۴) وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا : و به پیمان بی گمان پیمان مورد سوال

(۵) كُنْتُ سَاكِتًا وَ لَمْ أَقُلْ كَلِمَةً ، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ : ساکت و سخنی زیرا چیزی درباره موضوع

ج) فعل های زیر را ترجمه کنین :

(۱) كُنْتُ قَدْ اسْتَلَمْتُ (خرداد ۱۴۰۳) : (۲) كَانَتْ تَسْتَلِمُ (خرداد ۱۴۰۳) :

(۳) كَانَ يَأْمُرُ (خرداد ۱۴۰۲) : (۴) كُنْتُ أَكْتُبُ : (۵) كَانَتْ قَدْ ازدادت :

(۶) تَصَبَّحُ : (۷) كَانُوا يَقْطَعُونَ : (۸) كَانُوا يَحْفِظُونَ : (۹) كَانَ قَدْ امْتَنَعَ :

(۱۰) كَانَ قَدْ تَقَاعَدَ : (۱۱) كَانَ يَتَقَرَّبُ : (۱۲) كَانَ قَدْ سَتَرَ : (۱۳) كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ :

پاسخ نمونه سوال درس ۷ :

(الف)

- (۱) آیا خدا به (حال) سپاسگزاران داناتر نیست
- (۲) انگشتر نقره داشتم
- (۳) نامه هایی را می نوشتند (رسائل نکره هست دقت کنین)
- (۴) ساکت بودم و سخنی نگفتم
- (۵) شیمیل مقاله های علمی را نوشته بود.
- (۶) در مدرسه بسته شد
- (۷) معلم در زنگ دوم بر روی تابلو می نوشت
- (۸) شیمیل به همکارانش سفارش کرده بود گروهی برای گفتگوی دینی تشکیل بدهند

(ب)

- (۱) ساحل / بازی میکردند (کان + فعل مضارع = ماضی استمراری)
- (۲) نقش / داشت
- (۳) پناه میبرم / بخواهم / ندارم (لیس + لی)
- (۴) وفا کنید / است یا بود
- (۵) بودم / نگفتم (لم أقل : ماضی منفی ساده) / نمیدانستم (کنت لا أعرف : ماضی استمراری منفی)

(ج)

- (۱) دریافت کرده بودم : کان + قد + ماضی = ماضی بعید
- (۲) دریافت میکرد : کان + مضارع = ماضی استمراری
- (۳) دستور میداد
- (۴) مینوشتم
- (۵) افزایش یافته بود
- (۶) میشود
- (۷) می بریدند (۸) حفظ میکردند (۹) خودداری کرده بود (۱۰) بازنشسته شده بود
- (۱۱) نزدیک میشد (۱۲) پوشانده بود (۱۳) نوشته بودند

قواعد پایه

(۱) ساخت فعل امر :

ما کلا تو عربی دو نوع فعل امر داریم :

(۱) فعل امر از فعل های مخاطب (۲) فعل امر از فعل های غائب

اون چیزی که مخصوص این گروه هست مورد ۱ هستش و مورد ۲ رو تو درس ۶ یازدهم میخوانین .

مراحل ساخت فعل امر مخاطب :

۱. حرف اول رو حذف می کنیم.

۲. آخر فعل رو مجزوم میکنیم

۳. به اول فعل همزه اضافه می کنیم و اگه عین الفعل ضمه داشت همزه به « ا » و اگه عین الفعل فتحه یا کسره داشت همزه به « اِ » تبدیل می شود :

مثال : تَنْتَشِرُ : اول بیا « ت » رو حذف کن . تو مرحله بعدی آخر فعل رو ساکن کن « تُ : ُ : ِ » . حالا فعل تو اینجور چیزی شده : تَنْشِرُ . اگه دقت کنی نمیتونی این فعل رو بخونی پس میایی اولش یه « ا » اضافه میکنی : اَنْتَشِرُ . حالا زمان اونه که حرکه اول « ا » رو مشخص کنیم . برای این کار کافیه به دومین حرف اصلی فعل (ن ش ر) دقت کنی . اگه حرکه این حرف - یا - باشه : اِ و اگه ُ باشه : اُ .

پس : تَنْتَشِرُ : اَنْتَشِرُ

مثال ۲ : يَذْهَبُونَ : خب بازم اول « ی » رو حذف کن (يَذْهَبُونَ) . تو مرحله دوم بیا مجزومش کن یعنی « ن » آخر رو حذف کن (ذْهَبُو) . حالا هی سعی کن اون کلمه داخل پراتنز رو بخونی . برای این که همیشه خوندش بیا اولش یه « ا » بزار . حالا باید حرکه این « ا » رو مشخص کنیم . ۳ حرف اصلی چیه ؟ ذ ه ب . دومین حرف اصلی میشه « ه » حالا حرکه اونو ببین بگو چیه؟؟ َ . پس میشه : اِذْهَبُوا

اگه آخر فعل مضارعت ُ داره بشه ُ :

مجزوم کردن یعنی - اگه آخرش « ن » داره ؛ اون ن حذف بشه

اگه فعلت « يَذْهَبْنَ » و « تَذْهَبْنَ » باشه : تغییری نمیکنه.

یک نکته مهم تو ساخت فعل امر اینکه بعد از حذف حرف اول مضارع وقتی از همزه استفاده میکنیم که اولین حرف بعد از حرف مضارع ساکن باشه. ولی اگه اولین حرف بعد از حرف مضارع ساکن نباشه نیازی به آوردن همزه نداریم:

مثال (۱) تَنْتَرَّلِينَ : تَنْزِلِي مثال (۲) تَعُدُّ : عُدُّ

(۲) تشخیص فعل امر تو امتحان :

اگه تو امتحان بهتون جمله ای یا عبارت یا گروهی از فعل هارو دادن گفتن که اقا بیا تو این برای من فعل امر پیدا کن حتما حواست باشه که :

۱) هم باید دنبال فعل امر مخاطب بگردی و هم فعل امر غائب (ل + فعل مضارع غائب : لِيَذْهَبْ)

۲) اگه فعل مضارعی دیدی که آخرش هـ هست و اولش خبری از حروف مضارع نیست پس قطعاً امر مخاطب شده.

۳) اگه فعلی مضارعی دیدی که آخرش « ن » رو حذف کرده و قبلش لای نهی ، ادات ناصبه و ادات جازمه نداری پس قطعاً امر مخاطبه.

۴) دقت کن که تو فعل امر غائب اصلاً نیازی نداری حرف اول رو حذف کنی فقط کافیه ل + فعل مضارع داشته باشی.

تمرین :

۱. تو عبارت های زیر کدام گزینه به درستی امر شده :

۱) تَكْتُبُونَ : اُكْتُبُوا / تَفْتَحْ : اِفْتَحْ ۲) تَغْسِلِينَ : اِغْسِلِي / تَنْظُرْنَ : اَنْظُرْنَ

۳) تَصْنَعَانِ : اِصْنَعَا / تَقْدِرِينَ : اِقْدِرِي ۴) تَكْتُبَنَّ : اُكْتُبِي / تَلْعَبُونَ : اَلْعَبُوا

۲. تو عبارت های زیر فعل امر رو پیدا کنین :

إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا / اجْتَبِیْوْا کَثِیْرًا مِّنَ الظَّنِّ وَ لَا یَغْتَبِ بَعْضُکُمْ بَعْضًا

(۳) ساخت فعل نهی :

فعل نهی همون امر منفی میشه برای ما و فقط از فعل های مضارع ساخته میشه .

روش ساختشم اینجوریه که :

۱. اول فعل « لا » میاریم

۲. آخر فعل رو مجزوم میکنیم (اگه نمیدونی مجزوم کردن چیه برگرد صفحه ۴)

یادتون باشه فعل نهی بلایی سر حرف اول مضارع یا حرکه های وسط فعل نمیاره .

تَذْهَبْ : میروی : لَا تَذْهَبْ : نرو / تَجْلِسُونَ : لَا تَجْلِسُوا /

۴) روش شناخت فعل نهی تو امتحان عربی :

اگه دیدی فعلی داری که اولش « لا » هست و خود فعل مجزوم شده پس قطعاً لای نهی داری .
دقت کن که :

- ۱) با دیدن هر « لا + فعل مضارع » درجا نگی لای نهی . فعل مضارعت بااااااااااا مجزوم باشه تا « لا » بشه نهی
- ۲) با دیدن هر « فعل مضارع مجزوم » سریع نگو که فعل نهی داریم . لازمه فعل نهی اینکه قبلش « لا نهی » بیاد.

۵) روش ساخت و تشخیص فعل نفی :

ما کلا چند نوع فعل نفی داریم :

- ۱) ما + ماضی : فعل نفی ماضی : ذَهَبَ (رفت) : ما ذَهَبَ : ترفت
 - ۲) لا + مضارع : فعل نفی مضارع يَذْهَبُ (میرود) : لا يَذْهَبُ (نمیرود)
- همون جووری که مشخصه کلا وقتی میخوایم فعلی رو منفی کنیم بلایی سر ظاهرش نمیاریم و بدون تغییر میمونه و فقط معنیش میشه منفی.
- تو امتحان عربی تشخیص ماضی منفی که راحت (ما + ماضی) . برای تشخیص مضارع منفی و کلا تشخیص نفی و نهی از هم کافیه دقت کنی که :
- ۱) اگه لا + فعل مضارع مجزوم : لای نهی
 - ۲) اگه لا + فعل مضارع عادی : لای نفی

تمرین :

۱. نوع « لا » رو مشخص کن : لا تَقُلْ أَصْلَى و فصلی أَبداً / هل تذهب ؟ لا ، لا أَذهبُ / لا يَبْصُرُ الْكَافِرُ ما يَبْصُرُ الْمُؤْمِنُ
 ۲. تو عبارت های زیر فعل نفی و نهی رو پیدا کنین :
- ۱) الْعَلَمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ ، الْعَلَمُ يَحْزَنُكَ وَ الْمَالُ لَا يَحْزَنُكَ
 - ۲) حِينَما يَدْرُسُ الْمُعَلِّمُ فِي الصَّفِّ لَا نَتَكَلَّمُ احْتِرَاماً لَهُ
 - ۳) تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تُفَكِّرُوا فِي خَالِقِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْدَرُونَ

نمونه سوال :

عین نوع الأفعال فی عبارات (ماضی / مضارع / نهی / امر)

- ۱) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا (خرداد ۱۴۰۴)
- ۲) قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (خرداد ۱۴۰۴)
- ۳) أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ (خرداد ۱۴۰۳)
- ۴) لَا تَكْتُبِي عَلَى السَّبُّورَةِ (خرداد ۱۴۰۳)
- ۵) وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
- ۶) عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (خرداد ۱۴۰۲ - عصر)
- ۷) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خَلْقِي (شهریور ۱۴۰۲)
- ۸) قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا...
- ۹) لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ لَا تُظْلَمَ
- ۱۰) أَصْدِقَائِي مَا رَجَعُوا إِلَى الْمَدْرَسَةِ
- ۱۱) مَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ
- ۱۲) قَرَّرَ اِرْبَعَةُ الطَّلَابِ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ
- ۱۳) يُعَاهِدُ الطَّلَابُ الْأُسْتَاذَ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا
- ۱۴) لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ

پاسخ نمونه سوالات :

- ۱) نهی (۲) ماضی / امر / مضارع
- ۳) امر / ماضی / مضارع (دقت کنین بیع و خُلة هر دو اسمن . به تنوین که نشانه اسمیه دقت کنین)
- ۴) نهی (۵) ماضی / مضارع (۶) امر / مضارع (۷) ماضی / امر (۸) ماضی / ماضی / امر / مضارع
- ۹) نهی / مضارع منفی / مضارع منفی (۱۰) ماضی منفی (۱۱) مضارع منفی / مضارع
- ۱۲) ماضی / مضارع (۱۳) مضارع / مضارع منفی (۱۴) نهی / ماضی منفی

٦) تشخیص و ترجمه فعل مجهول :

فعل معلوم : فعلی هست که فاعلش مشخصه : علی شیشه را شکست
 فعل مجهول : فعلی هست که فاعلش مشخص نیست و حذف شده : شیشه شکسته شد
 تو بarm بندی ارائه شده برای شما بحث ساخت فعل و جمله مجهول رو نداریم کلا و فقط ازتون ترجمه فعل مجهول رو میخواد که خب لازمه ترجمه اون ، تشخیصش هست .
 از اونجایی که حرکت گذاری کامل برای امتحان نهایی لازمه پس کارمون راحت و با دوتا اصل همه چی به خیر و خوشی تموم میشه :

١) مجهول در ماضی ها : اول فعل ء میشه و عین الفعل (دومین حرف اصلی) =

مثال : کَتَبَ : فعل ماضی و معلوم : نوشت / کَتَبَ : فعل ماضی و مجهول : نوشته شد

مثال : أَكْرَمَ : فعل ماضی و معلوم : گرامی داشت / أَكْرَمَ : فعل ماضی و مجهول : گرامی داشته شد

کلا یادتون باشه که هر فعل ماضی (تاکید میکنم ماضی) دیدین که اولش ء داره حتما مجهوله .

٢) مجهول در مضارع ها : اول فعل ء میشه و عین الفعل =

مثال : يَكْتُبُ : فعل مضارع و معلوم : مینویسد / يَكْتُبُ : نوشته میشود

اینم یادتون باشه که کلا مجهول کردن فعل کاری به حرکت آخر فعل نداره و فقط حرکت اول و عین الفعل رو تغییر میده . (معلوم و مجهول مربوط به هویت و ذات فعله)

روش ترجمه :

کافیه با مشتقات مصدر « شدن » ترجمه کنیم :

ضُرِبَ : زده شد / كُتِبَ : نوشته شد / يُرْسَلُ : ارسال میشود / يُقْرَأُ : خوانده میشود /

تمرین :

تو مثال های زیر فعل مجهول رو پیدا کنین و ترجمه کنین :

٤) إِنَّا خَلَقْنَا مِنْ تَرَابٍ

٥) فَتِيحَ الْبَابِ وَ سَمِعَ الصَّوْتِ

٦) يُنَزَّلُ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ

١) قَبِلْتُ الْهَدَايَا الَّتِي أَرْسَلْتَ لَيْلَةَ أَمْسٍ

٢) يُشَاهِدُ سَقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ كُلِّ السَّنَةِ

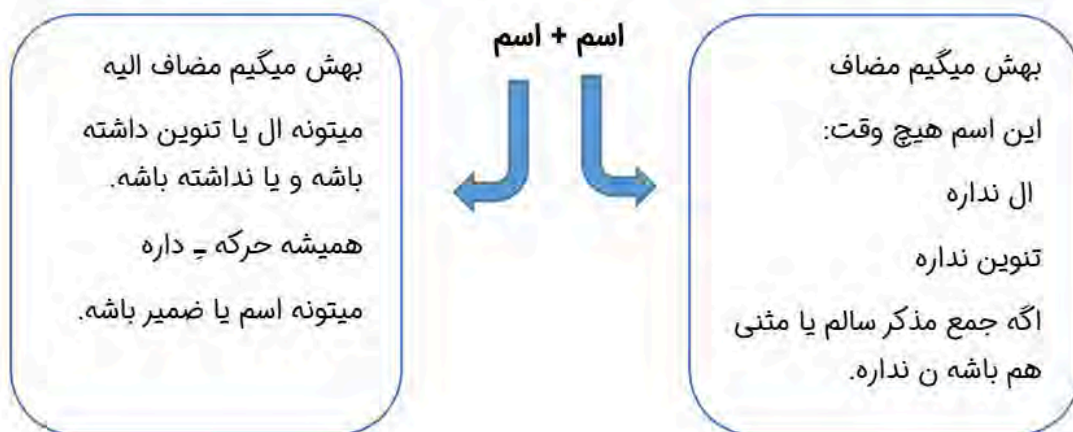
٣) لَا يُقْبَلُ أَيْ ضَغَطٍ مِنْ جَانِبِ الْأَعْدَاءِ

۷) تشخیص مضاف الیه :

تو زبان فارسی به چی میگی مضاف الیه ???

وقتی دوتا اسم پشت سر هم میان و معنی مستقل از هم دارن مثل چای لاهیجان .

تو زبان عربی هم دقیقاً همین طوریه با یه سری نکات اضافه :



مثال : صحنُ المدرسة : «صحن» ال و تنوین نداره پس مضاف الیه داره . «صحن» میشه مضاف و «المدرسة» مضاف الیه

مثال : کتابک : کتاب + ضمیر ک شده : کتاب میشه مضاف + ک میشه مضاف الیه.

یادتون باشه که : تو عربی در حد امتحان نهایی یازدهم اگه یه اسم ال داره پس دیگه تنوین نداره . اگه تنوین داره پس ال نداره و اگه ال و تنوین رو باهم نداشته باشه مضاف الیه داره.

مضاف بودن لقبه بچه ها . کلمه ای که مضاف میشه خودش تو جمله نقش مستقل داره ولله لللی مضاف الیه بودن نقش هست

مثال : يُفَرِّزُ لِسَانَ الْقَطِّ سَائِلًا مُطَهَّرًا : کلمه «القط» برای «لسان» مضاف الیه هست . لسان که مضاف ماست خودش توجمله نقش مفعول داره.

روش تشخیص راحت :

۱) هر وقت دیدین دوتا اسم پشت هم اومدن و اسم اول ال و تنوین نداره و اسم دوم = داره : مضاف و مضاف الیه داری

۲) هر وقت اسم + ضمیر دیدی : مضاف و مضاف الیه داری

۳) بعد کلمات : کلّ ، بعض ، عند ، فوق ، امام ، جنب ، تحت همیشه مضاف الیه میاد

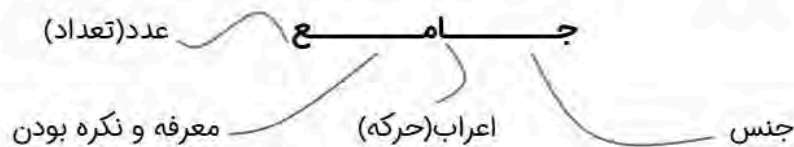
۸) تشخیص صفت :

تو زبان فارسی به چی میگی صفت ???

وقتی دوتا اسم پشت سر هم میان و اسم دوم اسم اول رو توصیف میکنه : باغ زیبا

تو زبان عربی هم دقیقا همین طوریه با یه سری نکات اضافه :

دوتا اسمی که پشت سر هم میان تو ۴ تا مورد با هم یکی هستن :



مثال : جاء المومنُ الصادقُ : «المومنُ» و «الصادقُ» هردوتا مفرد / مذکر / معرفه و مرفوع ء هستن. پس اولی موصوف و دومی صفت هست.

موصوف بودن لقبه بچه ها . کلمه ای که موصوف میشه خودش تو جمله نقش مستقل داره ولللی صفت بودن نقش هست.

گاهی پیش میاد که برای یه اسم هم صفت استفاده کنیم هم مضاف الیه . مثال فارسی اگه بخوام بزnm میشه :

معلم جوان من : تو این حالت ترکیب اینه : اسم + صفت + مضاف الیه

ولی تو زبان عربی یکم متفاوته . مثال رو نگاه کن : معلمی الشاب : اسم + مضاف الیه + صفت

پس : هر وقت ترکیب : «اسم بدون ال و تنوین + مضاف الیه + اسم ال دار» دیدی ؛ اسم ال دار برای اسم اول صفته .

حتمالاً به روش ترجمه ترکیب بالا دقت کنین.

یه نکته هم بگم : هر اسمی که آخرش « یَ » یا « يَ » باشه مثل : حامدِی ، ایرانی ، استوائیّه ، طبیعیّه ، ... نقش صفت رو داره .

تمرین :

تو مثال های پایین مضاف الیه و صفت رو مشخص کنین :

اسلام عَلینا و عَلی عبادِ الله الصالحین / لیست أُمّی خاتَمها الذَّهیّ فی حفلةِ میلادی / كانَ أخى الصغیر یكْتُبُ واجباتِه / البئرُ حَفرةٌ عمیقَةٌ فی الأرض فیها ماءٌ کثیرٌ / دلیلُ المُتَخَفِ یَسْتَعِیلُ فی مصنعِ الأبواب.

۹) تشخیص اجزای جمله اسمیه :

کلا جمله اسمیه از دو رکن اصلی تشکیل میشه : مبتدا + خبر

مبتدا اولللین اسمی هست که تو جمله اسمیه میاد . همیشه هم مرفوعه

خبر تکمیل کننده معنی جمله حساب میشه . هم میتونه اسم باشه هم فعل و هم جارومجرور.

برای راحتی کار و اینکه از توضیح های اضافه دور شیم به نمودار های زیر دقت کنین :

اگه اسم صفت یا مضاف الیه باشه : خبر فعل : الطالبُ الذَّکِيُّ یذهبُ
(۱) مبتدا + اسم + فعل

اگه اسم صفت یا مضاف الیه نباشه : خبر اسم : الرجل عالمٌ یفهم الشر

اگه مبتدا نکره باشه : فعل جمله وصفیه / خبر اسم : عالمٌ ینتفع بعمله خیرٌ من ألف عابد
(۲) مبتدا + فعل + اسم

اگه مبتدا معرفه باشه : خبر فعل : الرجل یذهبُ عالماً

اگه اسم صفت یا مضاف الیه باشه : خبر جارومجرور : الناش فی دین ملوکهم
(۳) مبتدا + جارومجرور + اسم

اگه اسم صفت یا مضاف الیه نباشه : خبر اسم : المعلم فی الصف لنا أسوة

(۴) مبتدای نکره + فعل ۱ + فعل ۲ : خبر فعل ۲ / فعل ۱ جمله وصفیه : رجلٌ یذهبُ ینجحُ

جارومجرور آخرین انتخاب برای خبر بودن و همیشه خبر از نوع مفرد و جمله از جارومجرور تو اولویت تر هستن :

(۱) اللهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ : خبر اسم « علیم »

(۲) التلمیذُ فی المکتبة یبحثُ عن الدرس : خبر فعل « یبحثُ »

اگه چند جارومجرور پشت سر هم بیان معمولا اونی که با «ک» شروع میشه، خبر است:

مثال ۱ : المؤمن فی المسجد کالسمک فی الماء

مثال ۲ : العلمُ فی الصَّغَرِ کالنقش فی الحجر

مثال ۳ : طالبُ العلم بین الجُفَّالِ کالحی بین الأموات

اگه مبتدا اسم اشاره باشه (هذا ، هذه ، تلک ، ذلک ، هولاء ، اولئک) برای خبرش به نمودار زیر نگاه کنین :

ال داشته باشه : تابع اسم اشاره : اولئک الاطفال الصغیرون سابقون ماهرون
 مبتدا تابع صفت خبر صفت

اسم اشاره + اسم

ال نداشته باشه : خبر از نوع مفرد : هولاء معلمون

خبر از نوع اسم همیشه مرفوعه (ک، ے، و، ن، ان) . پس اگه مبتدا + اسم مرفوع داشتیم و اون اسم مرفوع صفت برای مبتدا نباشه ؛ خبره .

تمرین :

تو مثال های زیر مبتدا و خبر رو مشخص کنین :

الندمُ على السكوت خيّرُ من الذم على الكلام

الوصولُ إلى الاكتفاء هدفٌ مهمٌ للشعب الإيرانيّ

حُسْنُ الأدبِ يستترُّ قُبْحُ النَّسَبِ

الله أنزلَ سكينته على رسوله

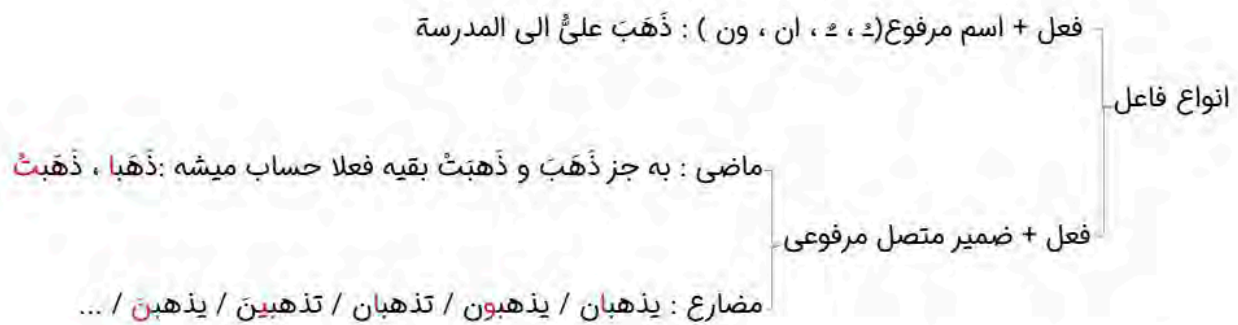
هولاء العلماء لا يتكاسلون

الحاكم لنا في المدينة كالصديق

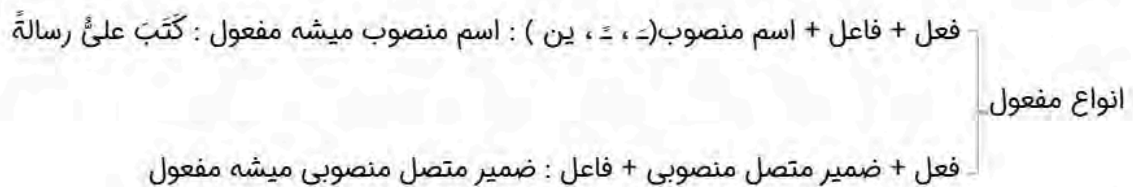
هولاء المقاتلون ثابتون كما تثبت الأصابع في اليد

(۱۰) تشخیص اجزای جمله فعلیه :

تو جمله عربی فاعل همیشه بعد از فعل میاد و هیییییچ وقت قبل فعل نمیاد.



یه نوع دیگه هم فاعل داریم که مستتر هست و خب چون تا حالا ندیدم براتون ارزش سوال بدن نمیگم . اگه خواستین میتونین از منابع کامل تر اونو مطالعه کنین .



مثال : قرأتُ الدرس : «ت» میشه فاعل / الدرس میشه مفعول

مثال : شاهدك علي في المدرسة : علي تورا در مدرسه دید . شاهدك : فعل / ك : مفعول / علي : فاعل
اگه نمیدونین ضمیر متصل منصوبی کدوماست : هَ ، هِ ، هُ ، هَا ، هُنَّ ، هَ ، هِ ، هُ ، كَ ، كِ ، كَمَا ، كُنَّ ، كُنْ ، نَا

اگه دو ضمیر به فعل بچسبه اولی فاعل و دومی مفعول هست :

مثال ۱ : ضربتها : دو ضمیر به فعل چسبیده . «ت» فاعل و «ها» مفعول .

مثال ۲ : شاهدناكم : دو ضمیر به فعل چسبیده . «نا» فاعل و «كم» مفعول

(۱۱) تشخیص جار و مجرور :

حرف جر + اسم = جارومجرور

به اسم می‌گیم مجرور به حرف جر

حرف جر	ترجمه فارسی	مثال
مِنْ	از	أَرْجِعْ مِنْ الْمَدْرَسَةِ ظُهْرًا
فِي	در	أَنَا أَجْتَهِدُ فِي حَيَاتِي
إِلَى	به	ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ
	به سوی	ذَهَبْتُ إِلَى أَبِي
	تا	قَرَأْتُ الدَّرْسَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ
عَلَى	روی	جَعَلْتُ كِتَابِي عَلَى الْمَنْصَةِ
	بر ضدّ	يَوْمَ لَنَا وَ يَوْمَ عَلَيْنَا
لِـ	برای	الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمَ لَكَ وَ ...
	از آن	هَذَا الْكِتَابُ لِأَخِي
	داشتن	لِحَمِيدٍ جَوَّالٌ جَدِيدٌ
عَنْ	از	سَأَلَ الْمَعْلَمُ عَنْكَ
	درباره	مَاذَا تَعْلَمُ عَنِ الدَّلَافِينِ
	به دنبال	لَا تَبْحَثْ عَنِ السَّعَادَةِ فِي التَّشَاوُمِ
بِـ	با	كَتَبْتُ بِالْقَلَمِ
	در	سَاعَدَكُمُ بِالْحَيَاةِ
كَ	مانند	أَنْتَ كَالْجَبَلِ فِي الْإِسْتِقَامَةِ

اصولاً وقتی می‌خوان براتون از جارومجرور سوال بدن ۲ صورته :

(۱) قَرَأْتُ الدَّرْسَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ . نقش ساختار مشخص شده را بنویسید : جارومجرور

(۲) قَرَأْتُ الدَّرْسَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ : نقش کلمه مشخص شده را بنویسید : مجرور به حرف جر

نمونه سوال اجزای جمله :

اُکْتَبَ محل اعرابی لما تَحْتَهُ خط :

- (۱) اَلْفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ (خرداد ۱۴۰۳)
- (۲) اُكْبِرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ (خرداد ۱۴۰۳)
- (۳) الثَّقَافَةُ قِيَمٌ مُشْتَرَكَةٌ بَيْنَ جَمَاعَةِ مِنَ النَّاسِ (خرداد ۱۴۰۳)
- (۴) الْعَالَمُ حَيٌّ وَ إِنْ كَانَ مَيِّتاً (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
- (۵) شَاهَدْنَا سَنَجَاباً يَقْفُزُ مِنَ الشَّجَرَةِ إِلَى شَجَرَةٍ (خرداد ۱۴۰۲ - صبح)
- (۶) عداوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ (خرداد ۱۴۰۲ - ظهر)
- (۷) يَدْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبُلُوْطِ السَّلِيْمَةِ تَحْتَ التَّرَابِ (خرداد ۱۴۰۲ - ظهر)
- (۸) السَّكُوْتُ ذَهَبٌ ، وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ (شهریور ۱۴۰۲)
- (۹) نَظَّفَ الطَّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ فِي السَّنَةِ (شهریور ۱۴۰۲)
- (۱۰) الْآثَارُ الْقَدِيْمَةُ تُؤَكِّدُ اِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ
- (۱۱) وَرَقَةُ الزَّيْتُونِ رَمْزُ السَّلَامِ
- (۱۲) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ
- (۱۳) لَا تَقُلْ كَلَاماً إِلَّا الْحَقُّ
- (۱۴) أَقْوَى النَّاسِ مَنْ انْتَصَرَ عَلَى غَضَبِهِ سَهْلاً
- (۱۵) وَقَفَ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ فِي الْمَصْنَعِ مُبْتَسِماً
- (۱۶) الْحَاجُّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ بِالْكَعْبَةِ الشَّرِيفَةِ
- (۱۷) أَوْصَعَفُ النَّاسِ مَنْ ضَعُفَ عَنْ كِتْمَانِ سِرَّةِ
- (۱۸) يَرَى الطَّائِرُ الذَّكْيَ حَيَوَاناً مُفْتَرِساً

پاسخ نمونه سوالات :

- (۱) فاعل / مفعول / صفت (۲) مبتدا (۳) خبر / مجرور به حرف جر (۴) مبتدا / خبر
- (۵) مفعول / مجرور به حرف جر (۶) خبر / مضاف الیه (۷) فاعل / صفت (۸) مبتدا / خبر
- (۹) مفعول (۱۰) القدیمة : صفت / اهتمام : مفعول / الإنسان : مضاف الیه (۱۱) رمز : خبر
- (۱۲) کلّ : مبتدا / ذائقة : خبر (۱۳) کلاماً : مفعول (۱۴) أقوى : مبتدا
- (۱۵) الشاب : صفت / مجرور به حرف جر (۱۶) الحاج : مبتدا / الشریفة : صفت
- (۱۷) أضعف : مبتدا / عن کتمان : جار ومجرور
- (۱۸) الطائر : مبتدا / مُفترساً : صفت

(۱۲) تشخیص و ترجمه اسم فاعل :

بر وزن فاعِل : حامِد ، شاکِر ، قاسِم ،

بر وزن فاعی : هادی ، ساعی ، راضی ، قاضی ، جاری ، ...

بر وزن فائِل : قائل ، ..

اسم فاعل | اولش مُ باشد و عین الفعل = داشته باشد : مُحسِن ، مُعلِّم ، مُکَرِّم ، ...

اولش مُ داشته باشد و دومین یا سومین حرف اصلی ی باشد : مُشیر ، مُجیر ، مُعین ، ...

بر وزن «فَعْلَة» باشد : این وزن برای جمع های مکسر هست : وَرَثَة : جمع وارث / طَلَبَة : ج طالب

بر وزن «فُعَال» باشد : این وزن برای جمع های مکسر هست : کُفَّار : جمع کافر / طُلَّاب : ج طالب

روش ترجمه اسم فاعل : از وند های « عنده ، ا » استفاده میشه :

مُنذِر : بیم دهنده / عالِم : دانا / طُلَّاب : دانش آموزان / ...

(۱۳) تشخیص و ترجمه اسم مفعول :

بر وزن مفعول بیاد : مَحمود ، مَشکور ، مَجبور

اسم مفعول | اولش مُ و عین الفعل = بیاد : مُحسِن ، مُعلِّم ، ...

اولش مُ باشد و دومین یا سومین حرف اصلی « ا » : مُستشار ، مُصطفی ، مُرتضی ، ...

روش ترجمه اسم مفعول : به صورت صفت مفعولی ترجمه میشه :

مثال : مکتوب : نوشته شده / مغفور : آمرزیده شده / ...

دقت کنین که وزن «مُفاعِلَة» مثل : مُشاهدَة ، مُقابَلَة ، مُناظرَة ، مُجاهدَة و ... اسم مفعول نیست و این وزن مصدر هست

(۱۴) تشخیص و ترجمه اسم مبالغه :

بر وزن فَعَال : کَذاب ، سَیاس ، غَفَّار ، ...

اسم مبالغه | بر وزن فَعَالَة : علامَة ، فِهامَة ، ...

اسم ابزار و شغل هایی که روی دو وزن بالا هستن هم مبالغه حساب میشه : نَجَّار ، خَبَّاز ، نَظَّارَة ،

روش ترجمه : بسیار + اسم فاعل

مثال : غَفَّار : بسیار آمرزنده / علامَة : بسیار دانا



مهدیس رفیعی

اعضای مصنوعی و وسایل کمکی
علوم پزشکی ایران



شایان جعفری

دندانپزشکی
علوم پزشکی بندرعباس



نرگس مردانی

پرستاری
علوم پزشکی ایران



یاسینا نوروزی

پزشکی
جندی شاپور



هانیه مصدق

پرستاری
آزاد نیشابور



مهشید فاطمی

پزشکی
علوم پزشکی کاشان



مبینا گودرزی

تکنولوژی اتاق عمل
علوم پزشکی سبزوار



مائده نظری

تکنولوژی اتاق عمل
علوم پزشکی گرگان



ابوالفضل حسینی

دندانپزشکی
علوم پزشکی رشت



محمدحسین نظری

پزشکی
علوم پزشکی همدان



زهرا حمدی

علوم آزمایشگاهی
علوم پزشکی دزفول



ابراهیم هناره

دندانپزشکی
علوم پزشکی ارومیه



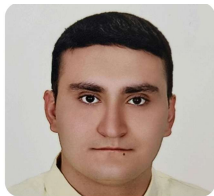
هستی عباسلو

هوشبری
علوم پزشکی رفسنجان



سارا مرادی

پرستاری
دانشگاه آزاد واحد شهرکرد



شنتیا زمانی

دندانپزشکی
علوم پزشکی شهید بهشتی



نگار دلاوری

پرستاری
آزاد رشت



سحر درخشان

پزشکی
آزاد نجف آباد



پریسا سادات موسوی

زیست شناسی سلولی و مولکولی
دانشگاه تهران



سوغند تیموری

پزشکی
علوم پزشکی کرمانشاه



محدثه خان محمدی

تکنولوژی اتاق عمل
علوم پزشکی زنجان



محمدصفا مارمائی

پزشکی
علوم پزشکی گرگان



ملیکا ابراهیمی نژاد

دندانپزشکی
آزاد بروجرد



الینا بصیری

تکنولوژی اتاق عمل
علوم پزشکی همدان



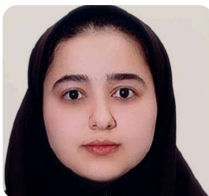
فاطمه حبیبی

پزشکی
علوم پزشکی سمنان



فاطمه محمد رحیمی

پرستاری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند



زینب رنجبر

پرستاری
آزاد اسلامی واحد ساری



بهار اسلامی

پزشکی
علوم پزشکی رشت



محمدامین متین

پزشکی
علوم پزشکی دزفول



فاطمه شریفی پیرکوهی

فیزیوتراپی
دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور



محمدفرحان کرمی

پرستاری
علوم پزشکی بابل



نرگس کلیج

پزشکی
علوم پزشکی سمنان



شایان جعفری

کار درمانی
علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی تهران



فاطمه میرزایی

پزشکی
علوم پزشکی زنجان



محمدرضا اسپرجانی

پزشکی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان



مینو رسولی

پزشکی
علوم پزشکی شیراز



ساناز جعفری

علوم تغذیه
علوم پزشکی اصفهان



فاطمه علی پناه

پزشکی
علوم پزشکی مازندران

الهه غلامپور

پزشکی
علوم پزشکی مازندران

عرشیا نادری

پزشکی
آزاد اسلامی واحد نجف آباد

هانیه اعتمادی

پرستاری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

زهرا حمدی

پزشکی
علوم پزشکی زنجان

سحر قنبری

داروسازی
علوم پزشکی کرمان

سجاد قويد

مهندسی صنایع
دانشگاه صنعتی اصفهان

نرگس دهاقین

داروسازی
علوم پزشکی همدان

امیرعلی جهانشاهی

داروسازی
علوم پزشکی مازندران

فاطمه رحمانی

دندانپزشکی
علوم پزشکی زنجان

پارمیس یوسفی

پرستاری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند

فرناز اقای

پرستاری
علوم پزشکی کاشان

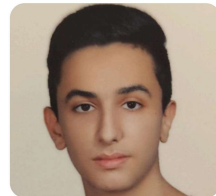
محمد اکبری

مهندسی برق
دانشگاه صنعتی اصفهان

ثنا شریفی

آمار
دانشگاه علامه طباطبائی تهران

سوگند احمدی

مهندسی نفت
دانشگاه شیراز

علی فتاح

مهندسی صنایع
دانشگاه یزد

مهتاب سلیمی

ریاضیات و کاربرد ها
دانشگاه الزهراء(س)

عرشیا شفیع زاده

مهندسی برق
شهید باهنر کرمان

مهسا یاری

بیم سنجی
دانشگاه شهید بهشتی تهران

محمد شیرزایی

مهندسی مکانیک
دانشگاه فردوسی مشهد

ماهان استرکی

مهندسی شیمی
دانشگاه صنعت نفت آبادان

یاس سنجرانی

مهندسی مکانیک
دانشگاه کاشان

کوثر صحتی

مهندسی معماری
دانشگاه خوارزمی تهران

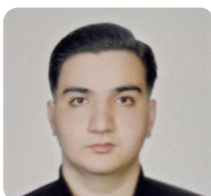
حمید رضا بهزادی

مهندسی مکانیک
دانشگاه صنعتی شریف

مهلا الهی

مهندسی علم و مواد
دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل

محمد هادی تاجیکی

مهندسی مکانیک
دانشگاه شهید رجایی

آرمین دارابی

مهندسی مکانیک
دانشگاه قم

حامد لاوی

مهندسی شیمی
صنعتی نوشیروانی بابل

مبینا مروتی

حسابداری
دانشگاه تهران

محمد حسن نوبی

مهندسی مکانیک
دانشگاه بوعلی همدان

ساره کریمی

اقتصاد
دانشگاه خوارزمی تهران

مبینا رودنی

حسابداری
دانشگاه زاهدان

زینب میرزائی

حسابداری
دانشگاه اراک

ایلیاد پورمهدی

سینما
دانشگاه دامغان

فهیمه امیری مقدم

نوازندگی موسیقی جهانی
دانشگاه تهران

نگار مشهدی

عکاسی
دانشگاه سمنان



رشته تجربی

پروژه 73 Core

فقط اصل مطلب

بهینه‌ترین تدریس برای بیشترین بازدهی در دروس اختصاصی!



تمامی رشته‌ها

مشاوره شخصی

تسک‌پلن | تسک‌پلن پلاس | منتورینگ

تماس هفتگی - برنامه‌ریزی شخصی - تحلیل گزارش شبانه - آزمون شخصی

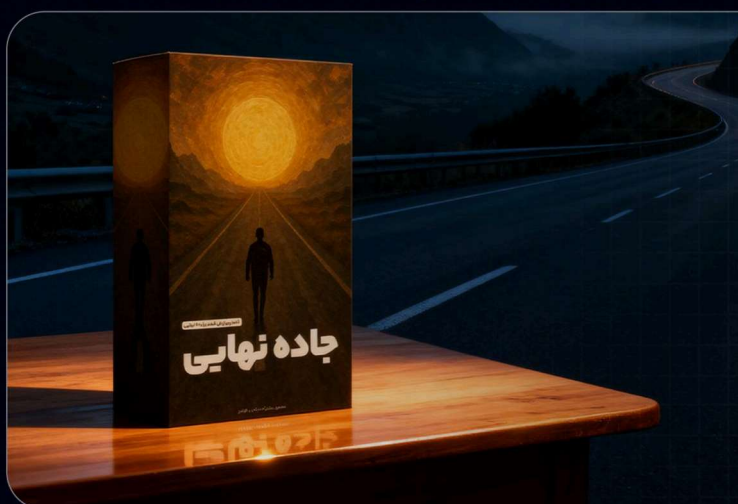


تمامی رشته‌ها

کمپ اسکویید کتک‌ور

درس بخوان تا حذف نشی!

چالش ساعت مطالعه



رشته تجربی و ریاضی

جاده نهایی

فول بورد امتحان نهایی

تدریس - جزوه - آزمون برای دروس عمومی